

بموجب قرار قضايي نمبر (۲۶۲) مورخ ۱۳۹۴/۶/۳۱ رياست محترم محكمه ابتدائيه تجارتي ولايت كابل و محضر مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱ هينت تطبيق حكم نمبر فوق، ميني بر فروش ساحه تجارتي به مساحت ۷۸۴ متر مربع مندرج قباله بيع قطعي نمبر (۷۱۰ بر ۴۱۱) مورخ ۱۳۵۷/۲/۵ مرتبه محكمه شهري ولايت كابل، ملكيت محترم عبدالله پشتونيار فرزند محمد هاشم واقع چهارثاني حاجي يعقوب ناحيه چهارم شهر كابل قرار دارد كه طي وثيقه بيع جايزي نمبر ۷۱۳/۱۰ مورخ ۱۳۸۴/۸/۴ مرتبه امریت ثبت اسناد و وثایق ولايت كابل كه تحت تضمين قرضه شركت عبدالله پشتونيار در آرين بانك قرار گرفته بود ملكيت متذکره در مجلس داوطلبی به تاريخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ بفروش گذاشته شد، كه نهايتا بالای آقای احسان الله ولد حبيب الله به مبلغ ۲۱،۵۶۰،۰۰۰ افغانی بفروش رسانیده شد.

اشخاص و موسسات كه خواهان مزایده را دارند از تاريخ نشر اعلان به مدت ۱۵ يوم درخواستي هاي خود را به دفتر مركزي آرين بانك واقع شهرنو سرک مسجد حنظله (رح) مقابل دروازه غربي لوي خارنوالي سپرده، شرطنامه را ملاحظه کرده ميتوانند تضمين نقدا اخذ ميگردد. و همچنان از مالک جايداد خواهش ميگردد در روز مزایده حاضر باشد و در غير آن حق شکايت را ندارد.



پوليس افغانستان و تقلاي حفظ نيرو

نظر به داده‌های وزارت داخله، در حالی که هزاران تن باوجود حملات فزاینده‌ی طالبان و رهبری ضعیف این نیروها را ترک می‌کنند، پولیس افغانستان در نخستین سال پس از خروج اکثریت نیروهای خارجی از این کشور نزدیک به یک چهارم اعضایش را از دست داده است. وزارت داخله در یک گزارش محرمانه به کمک کنندگانی که وال استریت ژورنال آن را دیده است، گفته است که سال گذشته بیش از ۳۶۰۰۰ تن این نیروها را ترک کرده‌اند. این کمک کنندگان که ایالات متحده در آن بیشترین سهم را دارد، بیش از ۱۸ میلیارد دلار را سرمایه‌گذاری و بخش بزرگ وجوه پولیس را تامین کرده‌اند. پس از آن که اکثریت نیروهای خارجی در اواخر سال ۲۰۱۴ افغانستان را ترک کردند، حکومت افغانستان مسئولیت جنگ علیه شورشیان را برعهده گرفت...



صفحه ۳



پاکستان: گروه‌های طالبان افغان را به گفت‌وگوهای صلح دعوت کرده‌ایم

صفحه ۲

فراهم سازی فرصت‌های کاری برای هموطنان ما

"برنامه ملی ایجاد کار برای صلح" نویدیست برای مردم بی بضاعت ما چه در شهرها و چه در دهات، زیرا برنامه متذکره به طور یکسان خدمات انکشافی و اقتصادی را در ۳۴ ولایت افغانستان به تدریج، تطبیق و عملی مینماید.

این برنامه ملی چنانچه از نام آن هویداست، زمینه کار و اشتغال را برای صدها هزار هموطن ما اعم از تحصیلکرده‌ها، دهقانان و روستایان، مهیا میسازد. با تطبیق پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات که در زیر چتر این برنامه ملی، عملی میگردد، آئنده از پروژه‌هایی که بصورت نسبی ویران شده اند، دوباره ترمیم و بازسازی میشوند. پروژه‌هاییکه فعالیت ندارند دوباره به فعالیت آغاز میکنند و پروژه‌های نیمه فعال به فعالیت کامل میرسند. همه این کارها در مؤثریت و ازدیاد تولیدات زراعتی و اقتصادی روستایان نقش ارزنده داشته و علاوه برآن سبب ایجاد کار برای هموطنان ما میگردد.

جلالتماب محمد اشرف غنی رییس جمهوری اسلامی افغانستان در روز اعلام این برنامه ملی فرمود:

"... ما میخواهیم به خاطر ازدیاد حاصلات زراعتی و باغ‌ها و جهت بهتر ساختن سیستم آبرسانی و زراعت، برای زارعان کشور کمک مالی نمایم. مقصد برنامه ایجاد کار برای صلح اینست که برای دهقانان پول داده شود تا توسط آن برای بهتر شدن زراعت، باغداری و آبرسانی کار کنند و به این ترتیب حاصلات شان زیاد شود و هم در قریه‌ها فرصت‌های کاری مهیا گردد...."

برنامه ملی ایجاد کار برای صلح در سه مرحله تطبیق و عملی میگردد، چنانچه محترم انجنیر نصیر احمد درانی وزیر احیا و انکشاف دهات در زمینه، اظهار نمود:

"... وزارت احیا و انکشاف دهات برنامه‌های کوتاه مدت و دراز مدت اشتغال زایی را روی دست گرفته است. با تطبیق آن در کنار حفاظت از پروژه‌های عام المنفعه، ایجاد کار و تقویت اقتصاد روستایی، یکی از اهداف اساسی این پروژه به شمار می‌رود. در مرحله اول این برنامه ملی، ولایات ننگرهار، کنر، لغمان، بغلان، کندز، بلخ، فاریاب، جوزجان، خوست، کندهار، هرات و فراه، تحت پوشش قرار میگیرند که با تطبیق این مرحله (۵.۲۵) میلیون روز کاری برای مردم ما ایجاد خواهد شد...."

کار تطبیق برنامه ملی ایجاد کار برای صلح اکنون عملاً آغاز شده است و روز تا روز با عملی شدن آن، مردم روستاهای ما به آینده روشن خود متیقن شده و با شور و شعف در آن سهم میگیرند. قابل یادآوریست که برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات تا این دم در حدود ۸۴۷۲۸ پروژه عام المنفعه زیربنایی را درعمل تطبیق و به بهره برداری سپرده است. واضح است که با گذشت بیشتر از ده سال، این پروژه‌ها قسماً استهلاک شده اند و به بازسازی و حفظ و مراقبت، نیاز مبرم دارند. بخش حفظ و مراقبت این پروژه‌های بنیادی را وزارت احیا و انکشاف دهات توسط برنامه همبستگی ملی به پیش میبرد. به همین جهت محترم انجنیر نصیر احمد درانی وزیر احیا و انکشاف دهات، در این اواخر آغاز کار پروژه وجه انکشافی نقدی حفظ و مراقبت (MCG) برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات را در چندین ولایت مربوط به مرحله نخست این برنامه، رسماً افتتاح نمودند که ادامه این روند در آینده نیز ادامه خواهد داشت.

بدین ترتیب حکومت وحدت ملی با به میان آوردن "برنامه ملی ایجاد کار برای صلح" و تطبیق آن درساحه عمل، در واقع به طبقات محروم جامعه توجه جدی نموده و از این رهگذر، در تغییر مثبت زنده گی مردم بی بضاعت کشور و تقویت بنیه اقتصادی آنها، قدم‌های استوار و متین برداشته است. دورنمای برنامه ملی ایجاد کار برای صلح، نشان از افق‌های روشن رشد اقتصادی زنده گی مردم ما و به ویژه مردمان روستایی ما میدهد و به یاری خدا (ج) دیر نخواهد بود که فقر و بیکاری تا حدود زیادی در کشور ما کاهش یافته و زمینه انکشاف و ترقی کشور روز تا روز گسترش یابد. با تطبیق این برنامه ملی، عده‌یی از مردم بی بضاعت و آسیب پذیر روستاهای ما که بنا برعدم دسترسی شان به اشتغال و کار مناسب، درصدد فرار از وطن و ترک دیار شان بودند، متباعد بیشتر از پیش به دوام زنده گی در قریه‌های خویش امیدوار خواهند شد و با صرف انرژی بشری شان در راستای امور انکشافی قریه‌های خویش، هم بنیه اقتصادی خود را تقویت خواهند کرد و هم سهم ملی و مردمی شانرا در زمینه حفظ و مراقبت پروژه‌ها و تداوم آنان ایفا خواهند کرد. یقیناً که کسب روزی حلال و دسترسی به اشتغال، موجب میشود تا مردم به آینده خود اطمینان پیدا کنند و نیروی جسمی و معنوی شان را در راه رسیدن به زنده گی مرفه و از طریق خدمت به وطن، صرف نمایند.

	
شنبه	
۸ حوت	
۱۳۹۴	
سال پنجم	
شماره ۱۰۱۵	
<div></div>	



یادداشت روز

چرا نتایج «طولانی‌ترین و پر تقلب‌ترین» انتخابات افغانستان بار دیگر اعلام شد؟

رحمت الله ارشاد

یکی از شگفت‌آورترین رویدادهای سال‌های اخیر، در اواخر هفته گذشته اتفاق افتاد. قید «سال‌های اخیر» برای وقوع این امر حیرت‌آفرین از باب احتیاط ذکر می‌شود ورنه این واقعه به لحاظ نوعیت نه تنها در کشور که در جهان بی‌نظیر است. اعلام نتیجه انتخابات توسط کمیسیون مستقل انتخابات و آن‌هم یک و نیم سال پس از شکل‌گیری حکومت وحدت ملی، در حقیقت همان شگفتی است که حیرت همگان را برانگیخته است. افغانستان تاریخ طولانی برگزاری انتخابات دموکراتیک را در حافظه ندارد، در چهارده سال گذشته هم اگر انتخاباتی برگزار شده جز رسوایی و دستبرد به آرای مردم چیزی دیگری نبوده است. شاخص‌ترین نوع این رسوایی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳ اتفاق افتاد. آن زمان، بنابر ارزیابی‌ها، از انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به‌عنوان طولانی‌ترین انتخابات و نیز پرتقلب‌ترین انتخابات یاد می‌شد. اعلام نتیجه انتخابات و آن‌هم درست یک و نیم سال بعد از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی در واقع یکی دیگر از استثناها در عالم انتخابات بود که توسط کمیسیون مستقل انتخابات رقم خورد. استدلال مسئولان کمیسیون هم جالب و جای تأمل بسیار دارد. آقای نورستانی گفته است: «ما نتایج انتخابات را در یک کاپی سی دی به هر دو نامزد (غنی و عبدالله) داده بودیم. آن وقت [۱۳۹۳] نتایج تفصیلی را اعلام نکردیم چون هر دو نامزد انتخابات توافق کرده بودند که به‌خاطر منافع علیای کشور، نتایج اعلام نشود. ما هم به‌خاطر منافع علیای کشور به این پیشنهاد احترام گذاشتیم. امروز اعلام می‌کنیم؛ چون این یک دین برای کمیسیون بود.»

ماجرای انتخابات پر تقلب، جنجالی و پرتنش ریاست جمهوری را همه به یاد دارند که مرور آن جز ائتلاف وقت سود دیگر ندارد. این‌که حکومت وحدت ملی در نتیجه چنین مسایل شکل گرفت امر واضح است اما استدلالی را که نورستانی برای اعلام نتایج دیرهنگام انتخابات ریاست جمهوری ارائه می‌کند در خور تأمل است. نورستانی قاعده و قانون را فراموش کرده است و این‌که نتیجه انتخابات چوقت بایستی اعلام شود بر همگان روشن است اما نورستانی این اصول تردیدناپذیر را در نظر نمی‌گیرد بلکه می‌گوید، اعلام نتیجه یک «دین» بود. می‌گوید قبل از اعلام نتیجه هر دو نامزد توافق کرده بودند که به خاطر منافع علیای کشور نتایج نشر نشود. آقای نورستانی نمی‌داند که منافع علیای کشور در قانون درج شده و رفتار بر طبق قانون همان منافع علیای کشور است؟ این همه مردمی که آمارش را کمیسیون بیرون داده مگر برای منافع کشور در انتخابات شرکت نکرده بودند؟ منافع کشور را دو فرد تعیین می‌کند یا مردم و قانون؟ احترام به دو نفر احترام به منافع علیای کشور است؟ و این گونه شد که کمیسیون برای آن‌که به توافق دو فرد احترام گذاشته باشد، قاعده و قانون را زیر پا گذاشت و مشارکت میلیون‌ها نفر به پای صندوق‌های رأی را نادیده گرفت.

اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری، آن‌هم زمانی که یک و نیم سال از شکل‌گیری حکومت وحدت ملی می‌گذرد، به چه معنا است؟ قرار است اعلام نتایج پیامدی داشته باشد و چیزی را رقم بزند؟ به باور بسیاری‌ها، آن‌گونه که پنداشته می‌شود اعلام نتایج انتخابات از سوی کمیسیون به خاطر بی‌خبری محض آن‌ها از ساز و کارهای قانونی و زمانی انتخابات نیست بلکه در پس از مضحکه، تدبیری نهفته است. آن‌چه را کمیسیون ادای «دین» می‌گوید، افکار عمومی آن‌را فتنه‌انگیزی می‌فهمند. زیرا حکومت شکل گرفته و مبنای آن‌هم نه قانون اساسی و آرای مردم، بلکه تفاهم‌نامه سیاسی است. اکنون که زمان این توافق‌نامه به سر آمده است، از یک طرف انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها برگزار نشد و از طرف دیگر اصلاحات انتخاباتی که تا اکنون باید صورت می‌گرفت، انجام نشده است. با برگزار نشدن انتخابات و عدم اصلاح نظام انتخاباتی لویه جرگه تعدیل قانون اساسی هم در کار نخواهد بود. برداشت این است که کمیسیون با اعلام نتایج از یک طرف غنی را بزنده اعلام کرده که با این کار قرار است جلو اصلاحات انتخاباتی را بگیرد. از جهت دیگر اعلام نتایج، غنی را در کشکمش پنجاه درصد قدرت در موضع برتر قرار می‌دهد و او با ارجاع به نتایج انتخابات به راحتی می‌تواند ریاست اجراییه را که با صدور فرمان ایجاد کرده بود، با فرمان دیگر باطل کند.

این یک سناریو است. طرف دیگر این قضیه توافق‌نامه سیاسی است. مخالفان اعلام نتایج انتخابات توافق‌نامه سیاسی را مقدم می‌شمارند و اصل محوری در تصمیم‌گیری‌ها نه نتایج انتخابات بلکه توافق‌نامه سیاسی است که ریاست اجراییه و ارگ باهم امضا کرده‌اند.

تحلیل این موضوع به این سادگی هم نیست. اوضاع پیچیده‌تر از این‌ها است. حکومت وحدت ملی به‌صورت کل و اجراییه به‌طور خاص به اعلام نتایج انتخابات واکنش نشان نداده است. وضعیت مبهم و هم‌چنان نگران‌کننده است.

اطلاعات روز: مقام‌ها از وزارت امور خارجه پاکستان گفته‌اند که از همه گروه‌های طالبان افغان و دیگر گروه‌های مخالف مسلح دولت برای اشتراک در گفت‌وگوهای مستقیم صلح افغانستان دعوت شده است.

خبرگزاری دولتی آسوشیتد پرس پاکستان، به نقل از محمد نفیس ذکریا، سخن‌گوی وزارت امور خارجه این کشور گزارش داده است که پاکستان همه شاخه‌های طالبان را دعوت کرده تا «نماینده‌های باصلاحیت خود» را برای شرکت در نخستین دور گفت‌وگوهای مستقیم صلح افغانستان با گروه‌های طالبان به اسلام‌آباد بفرستند.

گروه هماهنگی چهار جانبه روز سه شنبه هفته‌ی گذشته در چهارمین نشست خود در کابل اعلام کرد که در اوایل ماه مارچ میلادی نخستین دور گفت‌وگوهای مستقیم نمایندگان

پاکستان: گروه‌های طالبان افغان را به گفت‌وگوهای صلح دعوت کرده‌ایم

تمامی گروه‌های طالبان و دیگر گروه‌ها مخالف مسلح دانسته و از آن‌ها دعوت کرد که به روند صلح بپیوندند.

اما گروه طالبان تا به حال در مورد شرکت یا عدم شرکت نمایندگانش در گفت‌وگوهای مستقیم ابراز نظر رسمی نکرده است. با این حال نعیم وردک، یکی از اعضای دفتر سیاسی طالبان در قطر، روز چهارشنبه از اتفاقاتی که در کابل افتاده و تاریخ گفت‌وگوهای مستقیم تعیین شده ابراز بی‌خبری کرده است.

رییس جمهور غنی و گروه هماهنگی چهارجانبه، حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار را که در کنار گروه طالبان و شبکه حقانی از اصلی‌ترین گروه‌های مسلح مخالف دولت است، به پیوستن به روند صلح دعوت کردند. این شاخه حزب اسلامی از این دعوت استقبال کرده است.

وزیر معادن:

پروژه تاپی سرآغاز پروژه‌های زیربنایی افغانستان است

یک هزار نفر به عهده داشته باشند.

پروژه‌ی تاپی از مهم‌ترین پروژه‌های منطقه به شمار می‌رود که در آن، یک خط لوله گاز از ترکمنستان آغاز، صدها کیلومتر در خاک افغانستان امتداد یافته، از پاکستان گذشته و به هند ختم می‌شود. براساس توافق‌نامه سهم‌داران پروژه تاپی، ۸۵درصد ترکمنستان سهم دارد و کشورهای افغانستان، پاکستان و هندوستان ۱۵ درصد سهم دارند. این لوله گاز به طول ۷۳۵ کیلومتر در داخل کشور از طریق ولایت‌های هرات، فراه، هلمند و قندهار به پاکستان امتداد یافته و به هند ختم می‌شود.

کار عملی پروژه تاپی در ۲۲قوس امسال در حضور مقام‌های بلند پایه چهار کشور شریک این پروژه در ترکمنستان آغاز شد.

این پروژه سود بزرگی را نصیب افغانستان خواهد کرد. افغانستان سالانه حدود ۵۰۰ میلیون دالر حق عبور خواهد گرفت و این پروژه سالانه برای ۱۲ هزار نفر فرصت شغلی فراهم می‌کند.

دولت افغانستان با نمایندگان گروه‌های طالبان در اسلام‌آباد پاکستان برگزار می‌شود.

وزارت خارجه پاکستان هم‌چنان گفته که با شاخه‌های طالبان افغان و دیگر گروه‌های مسلح مخالف دولت نیز تماس گرفته شده تا آن‌ها را به شرکت در گفت‌وگوهای مستقیم صلح افغانستان تشویق کند.

گروه هماهنگی چهار جانبه نیز در نشست اخیر خود از همه گروه‌های طالبان و گروه‌های دیگر مخالف مسلح دولت دعوت کرد تا از طریق نمایندگان با صلاحیت خویش در اولین دور گفت‌وگوهای مستقیم صلح در اسلام‌آباد شرکت کند.

ریاست جمهوری نیز روز پنج شنبه تاریخ اعلام شده برای آغاز گفت‌وگوهای مستقیم صلح را «فرصت مناسب» برای

خلیل احمد شهیدزاده، نماینده هرات در مجلس نمایندگان در این محفل گفته است که عملی شدن پروژه تاپی به امنیت و ثبات سیاسی کشور کمک خواهد کرد. آقای شهیدزاده گفته: «این پروژه برای ما و برای همسایگان ما از اهمیت به سزایی برخوردار است، ما فرصت‌های زیادی را از دست داده‌ایم.»

یک لین برق در مسیر لوله گاز تاپی از ترکمنستان به پاکستان تمدید می‌شود

در همین حال وزیر معادن و پترولیم گفته است، براساس یکی از توافق‌نامه‌ها که به تازگی به امضا رسیده، قرار است یک لین برق در مسیر پروژه تاپی، از ترکمنستان به پاکستان تمدید شود.

هم‌چنان آقای صبا افزوده براساس یکی از دیگر توافق‌نامه‌های امضا شده، برنامه هماهنگی برای تأمین امنیت پروژه تاپی حدود یک ماه پیش آغاز شده و قرار است امنیت آن را قطعه‌ای از نیروهای امنیتی افغانستان به تعداد

دست‌کم هزار پناهجوی افغان

در آلمان برای بازگشت به کشور درخواست داده‌اند

این در حالی ست که روز چهارشنبه هفته‌ی گذشته، ۱۲۵ تن از پناهجویان افغان که درخواست پناهندگی شان در آلمان رد شده‌اند، به کشور بازگشتند. وزیر داخله آلمان گفته بود که این پناهجویان داوطلبانه به کشورشان بازگشته‌اند.

چندی پیش وزارت امور مهاجرین اعلام کرد که در سال گذشته میلادی حدود ۱۵۰ هزار مهاجر افغان در آلمان درخواست پناهندگی داده‌اند که بعد از سوریه با ۴۲۸ هزار مهاجر در جایگاه دوم قرار گرفته است.

بی‌سرنوشتی پناهجویان در صربستان و مقدونیه

در همین حال گزارش‌ها حاکی است که پس از مسدود شدن مرز مقدونیه بری پناهجویان افغانستان چندین هزار پناه‌جوی افغان در صربستان و مقدونیه با یک سرنوشت نامعلومی روبه‌رواند.

این پناه‌جویان افغان گفته‌اند که همه دار و ندار شان را به فروش رسانیدند تا خود شان را به کشورهای اروپایی برسانند، اما از نزدیک به سه هفته به این سو مقدونیه و صربستان اجازه ادامه سفر به آنان را نمی‌دهند، بلکه تنها به سوری‌ها

اطلاعات روز: دست‌کم هزار پناه‌جوی افغان برای بازگشت داوطلبان به کشور، در سازمان جهانی مهاجرت یا آی. او. ام، ثبت نام کرده‌اند.

این سازمان گفته است که این اقدام پس از اجرای قانون‌ها و محدودیت‌های تازه‌ی آلمان در روند پذیرش پناه‌جویان، صورت گرفته است.

در همین حال حمید صدیق، سفیر افغانستان در آلمان گفته است که ده‌ها پناه‌جوی افغان روزانه در سفارت و قسولگری‌های افغانستان در آلمان برگه‌های بازگشت داوطلبانه می‌گیرند.

آقای صدیقی به طلوع نیوز گفته است که روزانه از سی و پنج تا چهل پناه‌جوی افغان برگه‌های بازگشت داوطلبانه به کشور را از سفارت و قسولگری‌های افغانستان در آلمان به‌دست می‌آورند.

صدیقی هم‌چنان خطاب به جوانان گفته است: «پیام من بسیار دوستانه به برادران و خواهران است و آن این که هیچ وقت کشورتان را ترک نکنید زیرا راحل پناهنده شدن نیست و اوضاع کشور خوب خواهد شد.»

یک زن در بغلان

یک فرمانده طالبان را کشت و ۱۱ تن از افرادش را زخمی کرد

باعث افزایش ناامنی‌ها شده است.

در چند ماه گذشته درگیری‌ها در دندغوری باعث شده که شماری از خانواده‌ها خانه‌های شان را ترک گفته و به مناطق امن پناه ببرند. اما نخستین باری است که در مناطق زیر حاکمیت طالبان در بغلان، یک زن در مقابل ظلم و بیداد این گروه ایستادگی می‌کند و با آن‌ها وارد درگیری مسلحانه می‌شود.

از سویی هم، بیشتر از یک ماه می‌شود که عملیات نیروهای امنیتی در شماری از ولسوالی‌های بغلان به ویژه در دندغوری برای پاکسازی این مناطق از وجود گروه‌های مخالف مسلح جریان دارد.



خبرنگار ناراضی

هادی دریابی

گفت‌وگو با یو نو

آقای محمد یوسف نورستانی، رییس کمیسیون مستقل انتخابات کشور، بعد از تقریباً بیست ماه نتایج انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد. او فیصدی و تعداد دقیق آرای آقای اشرف غنی به‌عنوان رییس جمهور و عبدالله به‌عنوان رییس اجرائیه را خدمت کافه‌ی مردم اعلام کرد تا به قول خودش دین کمیسیون مستقل انتخابات را ادا کرده باشد.

بیست ماه تاخیر در اعلام میزان آرای رییس جمهور و رییس اجرائیه باعث شد تا من با استفاده از علم تاخیرولوژی خدمت آقای نورستانی بروم و گفت‌وگو کنیم. گفت‌وگوی ما را ذیلاً اعلام می‌دارم.

من: آقای نورستانی سلام!

یو نو (مخفف یوسف نورستانی): والیکم سلام، کشمش می‌خوری؟

من: نه تشکر برای کشمش خوردن نیامده‌ام. می‌خواهم با شما گفت‌وگو کنم.

یو نو: من بازی نمی‌خورم، یوسف آن است که یک‌بار بازی بخورد.

من: خواهش می‌کنم، قرار نیست هم‌دیگر را بازی بدهیم. مرا درک کنید!

یو نو: در پارلمان کاندید استی؟

من: یعنی چه؟ نه من کاندید پارلمان نیستم. من خبرنگارم، آمده‌ام مصاحبه کنم.

یو نو: چه خبر دارم، دیروز سی نفر آمده بود که رییس صاحب ما دور بعدی کاندید استیم، از ما حمایت کن. من گفتم تو هم نفر ۳۱ می.

من: خُب من نه کاندیدم نه پارلمان نه ۳۱‌ام. آمده‌ام حالت را بپرسم.

یو نو: سرم درد می‌کند.

من: دردت برود به کوه! یک پاکت بنادول دارم، می‌خوری بدهم؟

یو نو: منظورم این است که پارسال در ماه مبارک رمضان سرم درد می‌کرد، فشار بود.

من: فهمیدم.

یو نو: چه را فهمیدی؟ من که هیچ حرفی از آقای امرخیل نگفتم، از کجا فهمیدی؟

من: امرخیل؟ من سردردی تان را فهمیدم نه امرخیل را؟ امرخیل را چه شده؟

یو نو: اگر راست بگویم غنی بسوزد و اگر نگویم نورستانی! امرخیل صاحب کجاست؟ کار خودش را کرد و مرا با دو دیوانه تنها مانده.

من: دو دیوانه؟ منظورتان کی‌ها اند؟ (سید کشمش را از گوشه‌ی دفترش به زحمت نزدیکش آوردم و گفتم بخور بخور تا انرژی بگیری).

یو نو: در اتاق پهلو هم یک سید دیگر است، برو برای خودت بیار.

من: تشکر خیلی زیاد، من کشمش بدنم پوره است. دیوانه گفتی اما گفتی منظورت کیست؟

یو نو: شله نشو بیادر! اگر بگویم غنی و عبدالله یک کمیسیون دیگر هم می‌سازند.

من: ببخشید آقای نورستانی، منظور شما را نمی‌فهمم، کمی واضح‌تر بگویید!

یو نو: به زور ما رییس جمهور شد، حالا هر کار می‌کنیم، یک کمیسیون تازه جور می‌کند. اعصاب ما را خلاص کرد.

من: اعصاب چه رقم خلاص می‌شود؟

یو نو: تو به کی رای دادی؟ به غنی یا به عبدالله؟

من: به هیچ‌کدامش. من رای باطل دادم.

یو نو: ما رای تو را برای غنی شمار کردیم.

من: بد کردی! حق این کار را نداشتمی.

یو نو: دیدی اعصابت را خلاص کردم؟! به همین راحتی.

من: من اعصابم خراب شد، نه خلاص!

یو نو: عرب خراب می‌گه ما خلاص می‌گیم.

من: به هر صورت، به ما بگویید چرا بعد از بیست ماه آرای آقای غنی و عبدالله را اعلام کردید؟ فکر نمی‌کنید یک کمی زود بود؟

یو نو: بیست ماه شده؟ به خیال من که بیست ماه نشده. پیرارسال باید اعلام می‌کردیم. شما خبرنگاران بسیار عادت بد دارید. پیرارسال را بیست ماه می‌خوانید.

من: آقای نورستانی! اگر روزی قانون حاکم شود و شما را به جرم دست‌کاری در انتخابات محاکمه کنند، آماده هستی؟

یو نو: بگیر جوان کشمش بخور! کشمش بخور که فکرهای بیهوده به ذهنت نیاید. کدام قانون؟ کدام محکمه؟ من اگر بیست انتخابات دیگر را برگزار کنم و بیست دانه اشرف غنی را رییس جمهور بسازم، بازهم خاطر جمع است.

من: ممکن مردم خواستار محاکمه شما شوند و دولت چاره‌ی جز محاکمه‌ی شما نداشته باشد، آن‌وقت؟

یو نو: کاکایت ای‌قدر که شما فکر می‌کنید گیج نیست. شنیده باشی که می‌گویند (دیوانه به کارش هوشیار است)، من هم به کار خود می‌فهمم.

من: غنی را دوست داری؟

یو نو: اگر کمیسیون جور نکند، دوستش دارم. اگر کمیسیون جور کده رفت، مجبور می‌شوم که بازم اعلام کنم.

من: چه چیزی دیگری اعلام نشده مانده؟

یو نو: اعلام کنم که غنی را دوست ندارم.

من: به نظرت اگر آقای امرخیل روزی رییس جمهور شود، وطن چه حالی خواهد داشت؟

یو نو: حالا آب وطن مفت و رایگان به کشورهای همسایه می‌ریزد، اگر آقای ضیال‌الحق رییس جمهور شود؛ هم آب هم شیر وطن به کشورهای همسایه رایگان سرازیر خواهد شد.

من: چگونه؟

یو نو: همان‌گونه که ملت را گوسفند کرد و گوسفندان را چاق.

من: به عنوان آخرین سوال، از این‌که رییس کمیسیون انتخاباتی، پشیمان نیستی؟

یو نو: من اگر داکتر عبدالله می‌بودم باز پشیمان می‌بودم. می‌بینی که عبدالله نیستم، چرا پشیمان باشم؟

رابرت مکوی که مسئول این برنامه است، گفت که در سیستم کنونی

«نظارت از گرایش‌های ارتش و پولیس که ببینیم آیا مشکل

در یک واحد یا منطقه است، مشکل است، چون تمام داده‌ها به‌صورت

دستی وارد می‌شوند». در عین حال، رییس جمهور، جنرال تاج محمد

جاهد، فرمانده ارتش که ده‌ها سال تجربه در ارتش را دارد، نامزد وزیر

وزارت داخله تعیین کرده است تا با وضع مشکل امنیتی مقابله کند. وزیر

جدید داخله به شدت تحت فشار خواهد بود تا در این نهاد تغییرات

بیاورد و با فساد گسترده مبارزه کند تا آن را موثرتر و شفاف‌تر بسازد. این

وزیر هم‌چنین از انتقال مسئولیت پرداخت‌ها و دیگر روندها به حکومت

افغانستان نظارت خواهد کرد. سازمان ملل متحد وجوه پولیس را اداره

می‌کند، اما قرار است تا اواخر سال جاری این کار را به افغان‌ها واگذار

کند.

پولیس افغانستان و تقلای حفظ نیرو

هزاران تن به دلیل حملات فزاینده طالبان و رهبری ضعیف این نیروها را ترک می‌کنند

منبع: وال استریت ژورنال/ جیسیکا دوناتی و احسان الله امیری

ترجمه: حمید مهدوی



مقام‌های نظامی ائتلاف می‌گویند که طالبان اکنون حدود یک سوم کشور را تحت کنترل دارند یا در این مناطق به شدت نفوذ دارند، هرچند آن‌ها هنوز شهرهای کلان افغانستان را در تصرف شان حفظ نکرده‌اند. وزارت داخله مستقیماً در مورد این آمارها اظهار نظر نکرد، اما گفت که خروج سربازان خارجی باعث افزایش تلفات پولیس شده است و طالبان نیز تلفات بی‌پیشینه‌ای را متحمل شده‌اند. این وزارت گفت که به‌صورت کل، پولیس در برابر طالبان مناطق را تحت تصرفش نگهداشته است. صدیق صدیقی، سخن‌گوی این وزارت گفت: «در حال حاضر برنامه‌های زیادی روی دست هستند تا توانایی نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان بیشتر تقویت شود.» «در ماه‌های گذشته اقدامات تقویتی زیادی در مناطق جنگی روی دست گرفته شده‌اند، اقدامات جدید همین اکنون روی دست اند.»

با این حال، نگرانی‌ها می‌مانند. وزیر داخله نیز در ماه جاری استعفا داد و با نشر یک نامه حکومت را به چشم‌پوشی عمدی از پیشنهادات برای آوردن اصلاحات و ناکامی در تأیید به موقع انتصاب‌ها در این وزارت متهم کرد. نورالحق علومی گفت: «این عدم توجه است... که تلفات پولیس و ملکی‌ها را افزایش داده است.» «اخیراً، می‌فهمم که در واقع علاقه‌ی کمی به پذیرفتن پیشنهادات من وجود دارد.»

نیروهای پولیس دستمزد کم دریافت می‌کنند و اغلب به اخاذی از ملکی‌ها به‌جای محافظت از آن‌ها متهم هستند. بسیاری از آن‌ها خود قربانیان فساد هستند و افراد مافوق بخشی از پولی را که برای معاش و تجهیزات ضرورت است، به جیب

نظر به داده‌های وزارت داخله، در حالی که هزاران تن باوجود حملات فزاینده‌ی طالبان و رهبری ضعیف این نیروها را ترک می‌کنند، پولیس افغانستان در نخستین سال پس از خروج اکثریت نیروهای خارجی از این کشور نزدیک به یک چهارم اعضایش را از دست داده است. وزارت داخله در یک گزارش محرمانه به کمک کنندگانی که وال استریت ژورنال آن را دیده است، گفته است که سال گذشته بیش از ۳۶۰۰۰ تن این نیروها را ترک کرده‌اند. این کمک کنندگان که ایالات متحده در آن بیشترین سهم را دارد، بیش از ۱۸ میلیارد دالر را سرمایه‌گذاری و بخش بزرگ وجوه پولیس را تأمین کرده‌اند.

پس از آن‌که اکثریت نیروهای خارجی در اواخر سال ۲۰۱۴ افغانستان را ترک کردند، حکومت افغانستان مسئولیت جنگ علیه شورشیان را برعهده گرفت، اما از زمانی که اشرف غنی به قدرت رسیده است، با [مشکلات] در رهبری و اصلاحات دسته و پنجه نرم کرده است. این کشور هنوز وزیر دفاع ندارد و جانشینی برای رییس امنیت ملی که اواخر سال گذشته کارش را ترک کرد، تعیین نشده است. نیروهای پولیس اغلب در خط مقدم جنگ علیه طالبان و دیگر گروه‌های ستیزه‌جو قرار دارند و به‌طور ویژه‌ای در برابر حملات آسیب‌پذیر اند، چون از آن‌ها برای تأمین امنیت جاده‌ها و شهرهای مهم استفاده می‌شود. آمار وزارت داخله نشان داد که حدود ۲۰۰ پولیس در ماه جنوری کشته شده‌اند، نرخ بلند تلفاتی که نگرانی‌ها را در میان کمک کنندگان افزایش داد که پیش‌بینی می‌کنند سال جاری دشوارترین سال برای نیروهای امنیتی افغانستان خواهد بود.

افغانستان: درمان غربی بدتر از بلای طالبانی

فوربز / آندرس کور
ترجمه: معصومه عرفانی

افغانستان از سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳، در حدود ۵۳ میلیون دالر کمک‌های توسعه‌ای خارج از کشور دریافت کرده است. ایالات متحده به تنهایی بیش از ۱۱۵ میلیارد دالر برای کمک به دولت افغانستان به مصرف رسانده است که بخش عمده‌ی آن به توسعه‌ی قابلیت‌های نظامی ارتش افغانستان اختصاص داده شده است (و به‌عنوان کمک‌های توسعه‌ای به حساب نمی‌آید). اما تمام این سرمایه‌ها به هدر رفتند. میلیاردها دالر به سرعت و حتی گاهی اوقات بدون برنامه‌ریزی و نظارت کافی به مصرف رسیدند. بخشی از آن به جیب مقامات فاسد افغانستان یا حتی طالبان رسید. میزان کمک‌ها برای توسعه و حکومت‌داری که به پایتخت‌های ولایت‌ها و روستاهای افغانستان می‌رسید، در مقایسه با مبلغ موردنیاز ناچیز بود.

شدند که دولت به طالبان اجازه‌ی کنترل برنامه‌های آموزشی در این مناطق را داده بود. مسلح‌ساختن دشمن و آموزش کودکان قیمت‌های سنگینی برای پرداخت است. اما بهتر است این قیمت همین حالا و در نتیجه‌ی مذاکراتی منظم برای حفظ صلح و تسهیل انتقال تدریجی پرداخته شوند تا در زمانی که طالبان کابل را اشغال می‌کنند. شکست سریع دولت در کابل می‌تواند عواقب شدیدتری برای مردم در پی داشته باشد تا افزایش تدریجی نفوذ طالبان در وزارت‌خانه‌ها و پایگاه‌ها.

برای رهاشدن از مشکل افغانستان، ما نه تنها باید دست از حمله به طالبان به‌شکل فیزیکی برداریم، که دقیقاً تأثیری در نقطه‌ی مقابل آن‌چه ما می‌خواهیم داریم، بلکه باید درک بهتری از فرهنگ «مدرن-قرون وسطایی» روستاهای جنوبی و شرقی افغانستان به‌دست بیاوریم که طالبان در آن رشد کرده‌اند. انگیزه‌های روستاییان در سلسله‌مراتب هرم نیازهای مزول، با تکنالوژی و جریان زندگی مدرن مخلوط شده است. زندگی روستایی برای پشتون‌های افغانستان شامل حمل تلفن‌های همراه به‌جای کیبوترهای حامل، موتورسایکل به‌جای اسب، و راهزنی با مسلسل به جای تیروکمان شده است. اما آداب و رسوم خشن و مردسالار و فرهنگ این روستاها که برای غربی‌ها مشکل‌ساز است، با سطحی قرون وسطایی از توسعه‌ی اقتصادی همراه است. اروپای قدیم، شباهت‌های تکان‌دهنده‌ی به روستاهای افغانستان امروز داشته است، از جمله اعدام و فروش کودکان برای ازدواج. این روستاها بودجه‌ای برای زندان ندارند. تمام خانواده ممکن است تلف شوند اگر به دلیل انتخاب غم‌انگیز و رنج‌آور فروش دختری نوجوان برای ازدواج نباشد. هرقدر هم این مسئله وحشتناک باشد، رفتن به جنگ علیه فقر با جت‌های جنگنده این مشکل را برطرف نمی‌کند. برای خلاص‌شدن از مشکل افغانستان، ما باید این را درک کنیم. روستاهای فقزرده‌ی افغانستان، به‌سرعت به تجارت مواد مخدر پاسخ می‌دهند. طالبان و جوامعی که در آن منابع مالی خود را تامین می‌کنند، مدیون دلالتان مواد مخدر و کمک‌کنندگان خارجی مانند پاکستان و دیگر کشورها هستند. این اقتصادها پشتیبانی بومی میان پشتون‌ها ایجاد کرده‌اند - در غیر این صورت، طالبان هرگز دوام نمی‌آوردند. ما نمی‌توانیم طالبان، داعش یا هر گروه شورش دیگری را در افغانستان از بین ببریم، مگر آن‌که به حل ریشه‌ای مشکلات تجارت تریاک و کمک‌های مالی خارجی از شورشیان بپردازیم.

در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، جنگ در افغانستان و پاکستان زندگی ۱۴۹۰۰۰ نفر را گرفت و منجر به زخمی‌شدن ۱۶۲۰۰۰ نفر شد. این ارقام شامل مردم افغانستان و پاکستان و خارجی‌ها می‌شود. تعداد مرگ‌ومیر واکنش به حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، اکنون به رقم نامتناهی ۵۰۱ رسیده است.

اگر ما می‌خواستیم تا صلح، دموکراسی و حقوق بشر را به افغانستان بیاوریم، شکست خورده‌ایم. اگر ما می‌خواستیم انتقام بگیریم، هدف خود را به خوبی منتقل کردیم. یکی از دوستان من که عضو تفنگ‌داران مستقر در افغانستان است، یک بار به من گفت: «من از کشتار خسته شده‌ام». آمریکا اکنون دیگر از کشتار خسته شده است. این کار بی‌نتیجه است. بیایید از این کشور بیرون برویم!

احتمال این پیامدهای منفی می‌تواند در نتیجه‌ی حضور نظامی نمایی ایالات متحده در افغانستان افزایش یابد. حتی یک سرباز خارجی در خاک افغانستان، بهانه‌ای به طالبان می‌دهد. آن‌ها در حال مبارزه با بیگانگان در خاک خود هستند - چیزی که بسیاری از آمریکایی‌ها، و افراد زیادی در کشورهای جهان برای‌شان قابل درک است. من برای هجده ماه در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ در افغانستان حضور داشتم. یکی از تفنگ‌داران زمانی به من گفت، «من طالبان را درک می‌کنم. اگر افرادی شبیه من (در تجهیزات کامل جنگی) به شهر و کشور من بیایند، من هم به آن‌ها شلیک خواهم کرد».

حملات هوایی نیز وجهه‌ی عمومی منفی مشابهی در افغانستان دارد. تحقیق انجام‌شده در سال ۲۰۰۸ نشان داد که افکار عمومی منفی نسبت به ایالات متحده، تا حد زیادی با بمباران‌های ناتو در ارتباط است. چرا؟ از آن‌جا که طالبان از حملات هوایی به‌عنوان فرصتی برای بدنام‌کردن نیروهای ناتو استفاده می‌کنند. کایل پیزی که از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۱۴ در استخبارات ناتو در افغانستان کار کرده است، اخیراً در ایمیلی به من گفت:

«حملات هوایی و حملات هوایماهای بدون‌سرنشین هم‌چنین احتمال تلفات غیرنظامیان را بالا می‌برد و فرصتی را برای شورشیان فراهم می‌آورد تا با «بی‌شرمانه» خواندن این حملات، از آن‌ها به‌نفع تلاش‌های خود برای استخدام و جذب نیرو استفاده کنند... زمانی که تلفات ملکی صورت می‌گیرد، آن‌ها شایعاتی را به روستاهای اطراف منتشر می‌کنند. پس از یک و نیم دهه از کمپاین‌های بی‌وقفه‌ی اطلاعاتی شورشیان، به باور من، یک طرز فکر ضد آمریکایی، یا به‌طور گسترده‌تر، ضد خارجی اجتناب‌ناپذیر است. حتی رهبران ارشد افغانستان که دلایل فراوانی برای حمایت از ما دارند، اغلب شعارهای ضدآمریکایی سر می‌دهند. زمانی که من چیزهایی شبیه به یافته‌های بنیاد آسیا را می‌بینم که ۷۷٪ شهروندان افغانستان در هنگام مواجهه با نیروهای امنیتی بین‌المللی نگران امنیت شخصی خود هستند، من به این فکر می‌کنم که ما چطور می‌توانیم از این وضعیت رها شویم».

اما بدتر از این هم وجود دارد. در سال ۲۰۱۵، رقم افغان‌هایی که از نیروهای بین‌المللی می‌ترسند، از ۷۷٪ به ۸۰٪ افزایش یافت. حتی پاسخ‌دهندگان بیشتری در سال ۲۰۱۵ از طالبان وحشت داشتند: ۹۰٪. ریچارد وایت، یک متخصص امنیتی در افغانستان، در رابطه با این موضوع چنین به من نوشت: «شورش طالبان... تنها در صورتی شکست داده خواهد شد که این گروه وارد نظام سیاسی شده و مشروعیت پیدا کند، شاید مانند حزب‌الله و حماس... شاید این بدون حضور نظامی ایالات متحده امکان‌پذیر شود، یا شاید هم نه. بااین‌حال، من اطمینان دارم که ما نمی‌توانیم به سرمایه‌گذاری در افغانستان ادامه بدهیم درحالی‌که نتایج اندکی به‌دست می‌آوریم و یا حتی هیچ نتیجه‌ای». معاملاتی میان دولت و طالبان در طول سال‌ها صورت گرفته است. وزرای دولت و فرماندهان محلی در مواردی به خواسته‌های طالبان تن داده‌اند. در هلمند، بسیاری از مقامات افغان و ایالات متحده باور دارند که نیروهای امنیتی افغانستان اغلب معاملاتی با طالبان داشته‌اند، از جمله در فروش سلاح. در مورد تحصیلات، مدارس افغانستان در مناطق روستایی جنوبی زمانی بازگشایی

عملیات تهاجمی علیه طالبان و حملات برای تعقیب و دست‌گیری نیروهای وابسته به داعش را محدود کرده است. بااین‌حال، طالبان در میدان جنگ از تمام گروه‌های شورش دیگر فعال‌تر باقی مانده‌اند. از زمانی که آن‌ها این کشور را در سال ۲۰۰۱ از دست دادند، اکنون آن‌ها بیشترین میزان قلمروها را به‌دست دارند. به غیر از مراکز ولایت‌ها، جاده‌های اصلی، و بند کجکی، ولایت هلمند که مرکز عمده‌ی کشت و تجارت تریاک است نیز تا حد زیادی بدون دفاع در دسترس و یا حتی در کنترل نیروهای طالبان قرار دارد.

افزایش کنترل ارضی طالبان، و قوانینی که به‌شکلی فزاینده در حال محدودکردن شرایط مداخله‌ی نیروهای خارجی می‌شوند، مشکل‌ساز و تا حد زیادی برای سربازان ایالات متحده که باید یک گوشه بنشینند و صبر کنند تا طالبان بر آن‌ها حمله کنند، خطرناک هستند. نیروهای امنیتی افغانستان نیز درمانده‌اند، چراکه نیروهای ایالات متحده اغلب در هنگام حملات طالبان کمکی ارائه نمی‌دهند. در نتیجه، آن‌ها درگیری‌ها را بدون مبارزه‌ای جدی ترک می‌کنند یا تسلیم می‌شوند، و این شامل تحویل سلاح‌ها و وسایل نقلیه به طالبان نیز می‌شود. قوانین جدید ایالات متحده حتی حمله بر هاموی‌هایی که طالبان از دولت افغانستان به سرقت می‌برند، را نیز ممنوع کرده است.

نقاط مثبت و منفی گزینه‌ی دوم، افزایش چند هزار نفری سربازان، یا تغییر استراتژی در پشتیبانی هوایی، مشابه با گزینه‌ی اول هستند. اگر ما نتوانسته‌ایم با ۱۴۰۰۰۰ نیروی ناتو برنده‌ی میدان باشیم، بعید است که بتوانیم با افزایش ده یا بیست هزار سرباز دیگر این کار را انجام بدهیم.

در رابطه با حملات هوایی نیز همین‌گونه است. در ماه جنوری سال ۲۰۱۶، ایالات متحده ایالات متحده ۱۲۸ پرتاب بمب در افغانستان انجام داده است. حتی اگر ما این تعداد را به بیشتر از ۴۰۰ در هر ماه برسانیم، مشابه آن‌چه در جنوری سال ۲۰۱۱ انجام دادیم، قرار نیست با جنگ هوایی پیروز شویم. حملات هوایی در سوریه و عراق در برابر منابع درآمدزای ثابتی مانند چاه‌های نفت و در برابر نیروهایی که قصد اشغال پایتخت را دارند، و یا در خط مقدم، ممکن است کارآمد باشد. اما این حملات علیه شورشیان در رقه و افغانستان کار نمی‌کند. انتقال مواد شیمیایی برای از بین بردن مزارع تریاک در افغانستان، منجر به کاهش قابل ملاحظه‌ی بودجه‌ی طالبان خواهد شد، اما این کار هرگز انجام نگرفته است - احتمالاً به دلایلی سیاسی از سوی کابل. برادر رئیس‌جمهور سابق حامد کرزی، ولی کرزی، به احتمال زیاد از طریق تجارت مواد مخدر سرمایه‌ی کلانی به‌دست آورده است.

گزینه‌ی سوم، خروج کامل نیروها، می‌تواند عواقب سیاسی و انسانی فاجعه‌باری برای افغانستان در پی داشته باشد. نیروهای امنیتی افغانستان ممکن است از هم بپاشند، همان‌گونه که در رابطه با نیروهای دولتی در عراق اتفاق افتاد. طالبان و داعش ممکن است کابل را تاراج کنند، و هزاران نفر از هزاره‌ها که اقلیت شیعه‌ی افغانستان هستند را بکشند. افغانستان ممکن است تبدیل به دولتی ضدآمریکایی شود، مانند ایران در سال ۱۹۷۹. اما، ممکن است تمام این‌ها و حتی وضعیتی از این بدتر، در صورتی که ما چند هزار سرباز در این کشور نگه داریم نیز رخ بدهد. در واقع،

روز پنج‌شنبه، سربازان دولت افغانستان به یک کلینیک سوئدی حمله کردند و دو بیمار و یک پرستار را به شیوه‌ای شبیه به اعدام به قتل رساندند. حمله‌ی نیروهای ایالات متحده نیز در تاریخ ۳ اکتوبر سال ۲۰۱۵، منجر به مرگ غیرنظامیانی در یک مرکز درمان بدون مرز در شهر قندوز شد. این حمله ۴۲ نفر کشته و ۴۳ نفر زخمی بر جای گذاشت. بااین‌حال، جنایات شورشیان بدتر از همه هستند. آن‌ها دایم از تجاوز و اعدام به‌عنوان روش‌های جنگی علیه نیروهای دولتی، فعالان، کارکنان صحتی زنان و خانواده‌های آن‌ها استفاده می‌کنند.

سازمان ملل متحد، هفته‌ی گذشته در گزارشی جزئیات و تعداد تلفات غیرنظامیان در افغانستان در سال ۲۰۱۵ را به نشر رساند. نیروهای دولتی و ضددولتی در مجموع، منجر به مرگ ۳۵۴۵ و زخمی‌شدن ۷۴۵۷ غیرنظامی شده‌اند. در هر چهار نفر یکی از آن‌ها کودک بوده است و یک دهم این تعداد زنان بوده‌اند. بیشتر تلفات (۶۲٪) توسط طالبان، دولت اسلامی، و دیگر گروه‌های شورش اتفاق افتاده است. نیروهای طرفدار دولت، در مجموع باعث ۱۷٪ تلفات میان غیرنظامیان بوده است.

هرج‌ومرج‌های خشونت‌آمیز مداوم در افغانستان، منجر به طرح این سوال شده است که ایالات متحده باید چه کاری در آن‌جا انجام دهد؟ تعدادی از گزینه‌ها از قرار ذیل هستند: (۱) حفظ استراتژی فعلی برای نگهداشتن حدود ۱۳۰۰۰ آمریکایی برای زمان نامحدود؛ (۲) افزایش ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نیروهای نظامی، و تغییر استراتژی به استفاده‌ی بیشتر از پشتیبانی هوایی؛ (۳) خروج تمام نیروها.

مزایای گزینه‌ی اول، نگه‌داشتن حدود ۱۳۰۰۰ سرباز در افغانستان، عبارتند از: آموزش و مشورت‌دهی به نیروهای دولتی و شرکت در جنگ. مشارکت در جنگ در اوج درگیری‌های سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲، تأثیری در کاهش حملات شورشیان نداشت. عملیات تهاجمی شامل بیش از ۱۴۰۰۰۰ نیروی ناتو و نیروهای متحد در افغانستان در سال ۲۰۱۰ می‌شد. میزان و سرعت عملیات‌هایی که خارج از محدوده انجام می‌شدند بالا بود. ما در افغانستان هزینه‌ی زیادی صرف بازسازی و حکومت‌داری کرده‌ایم، بیش از آن‌چه ایالات متحده تاکنون برای بازسازی هر کشور دیگری به مصرف رسانده است.

افغانستان از سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳، در حدود ۵۳ میلیون دالر کمک‌های توسعه‌ای خارج از کشور دریافت کرده است. ایالات متحده به تنهایی بیش از ۱۱۵ میلیارد دالر برای کمک به دولت افغانستان به مصرف رسانده است که بخش عمده‌ی آن به توسعه‌ی قابلیت‌های نظامی ارتش افغانستان اختصاص داده شده است (و به‌عنوان کمک‌های توسعه‌ای به حساب نمی‌آید). اما تمام این سرمایه‌ها به هدر رفتند. میلیاردها دالر به سرعت و حتی گاهی اوقات بدون برنامه‌ریزی و نظارت کافی به مصرف رسیدند. بخشی از آن به جیب مقامات فاسد افغانستان یا حتی طالبان رسید. میزان کمک‌ها برای توسعه و حکومت‌داری که به پایتخت‌های ولایت‌ها و روستاهای افغانستان می‌رسید، در مقایسه با مبلغ موردنیاز ناچیز بود.

مشارکت در جنگ توسط نیروهای ناتو، اکنون حتی از دوران اوج عملیات‌ها هم محدودتر شده است. قوانین جدید مداخله،

چهارشنبه

سخن سخی داد هاتف

دعوت نامه صلح

جواد ناجی



آن دهان بند سبز

یکی از مضحک‌ترین رفتارهای مقامات دولتی جمهوری اسلامی ایران است که سعی می‌کنند حتی در کشورهای دیگر فعالیت روزنامه‌نگاران غیر ایرانی را کنترل کنند. از نمونه‌های جالب این رفتار تذکری است که سفارت آن کشور در کابل به وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان می‌دهد و از نهاد نظارت بر تخطی‌های رسانه‌ای آن وزارت می‌خواهد که جلو نشر فلان مطالب در فلان روزنامه‌ها را بگیرد. این وجه ماجرا به حد کافی مضحک-دردناک هست؛ اما جالب‌تر واکنش وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان به این تذکرها بی‌شمارانه است. شاه حسین مرتضوی، سردبیر روزنامه‌ی هشت صبح، عکسی از نامه‌ی آقای شاه محمود زیارمل، منشی کمیسیون بررسی شکایات و تخطی‌های رسانه‌ای وزارت، به سفارت ایران را منتشر کرده. نامه از سال‌های قبل است، اما همین که سفارت ایران - به قول آقای مرتضوی - تا حالا یازده بار تذکر داده، به این معناست که این موضوع هنوز محل طرح شدن دارد. در این نامه جناب زیارمل به مقامات سفارت ایران گفته است که وزارت مذکور به روزنامه‌ی هشت صبح تذکر داده تا دیگر مطالب اهانت‌آمیز در باره‌ی جمهوری اسلامی ایران منتشر نکند. یک سفارت خارجی در کابل به مسئولان حکومتی افغانستان نامه می‌فرستد و در آن نامه از مسئولان مذکور می‌طلبد که علیه آزادی بیان روزنامه‌نگاران افغانستان اقدام کنند. بعد، این مسئولان محترم به جای آن که به آن سفارت محترمانه اطلاع بدهند که به خاطر احترام به آزادی بیان شهروندان کشور خود نمی‌توانند به آن خواست نامعقول گردن بپنهند، به یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های پایتخت نامه می‌فرستند که از این پس رعایت مزاج و ذایقه‌ی آن سفارت را بکنند.

چرا مقامات حکومتی افغانستان با خواسته‌ای از این جنس این چنین برخورد می‌کنند؟ در توضیح این رفتار شاید بتوان دلایل و علل گوناگونی را در میان آورد (از جمله افسانه‌ی میهمان نوازی افغان‌ها را). اما هر توضیحی در این باب باید بتواند میان دو واقعیت جاری در وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان جمع کند:

یکی این واقعیت که وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان با زبان فارسی و مظاهر فرهنگ ایرانی عمیقاً «ناراحت» است و این ناراحتی چنان است که مقامات این وزارت هرگز نتوانسته‌اند آن را پنهان نگه دارند. به یاد بیایید داد و فریادی را که دایماً در مورد تهاجم فرهنگی ایران راه می‌اندازند. دیگری این واقعیت که مقامات همین وزارت وقتی از سفارت جمهوری اسلامی تذکرنامه دریافت می‌کنند، در برابر آن سفارت از خود نرمش و همدلی بسیار نشان می‌دهند. این دو گانه‌گی رفتاری از کجا می‌آید؟

مقامات بلند پایه‌ی دولت قبلی (پس از آن که روشن شد دولت ایران به آن حکومت کمک‌های نقدی می‌دهد) رسماً اعلام کردند که دولت دوست و برادر ایران به خاطر تامین بعضی مصارف اداری دولت گاه گاه مقداری پول نقد به ارگ اهدا می‌کند. گفتند این چیز غریبی نیست و دولت از چندین جای دیگر هم کمک دریافت می‌کند. ظاهراً آن لطف گاه-گاه یا دایم زبانی بی‌حاصل هم نبود. چرا که بعدها حتا وقتی بنا بر بعضی گزارش‌های معتبر روشن شد که طالبان برای مقاومت در برابر دولت افغانستان و نیروهای ائتلاف از سلاح‌های ایرانی استفاده می‌کنند، دولت وقت تنها به همین مقدار اکتفا کرد که «در این باره تحقیق خواهد شد».

اکنون سایه‌ی سنگین تحریم‌های نفتی از سر ایران برداشته شده و پول‌های مصادره شده‌ی آن کشور در بانک‌های بین‌المللی دوباره به خزانه‌ی آن دولت بر می‌گردد؛ طبیعی است که از این پس دست حاکمان ایران برای اقدامات خرابکارانه‌ی برون مرزی بازتر می‌شود. شاید آن صفت «مضحک» که در ابتدای این یادداشت در توصیف رفتارهای مقامات جمهوری اسلامی ایران آوردم، چندان به‌جا نباشد. چرا که رفتارهایی از این دست تنها در کشوری مضحک است که در آن آزادی بیان افراد به بداهه‌ای خدشه‌ناپذیر تبدیل شده باشد. وقتی که سخن بر سر دولت جمهوری اسلامی ایران است انتظار هم همین است که آن دولت پترودرهای خود را برای دهان بند زدن بر دهان منتقدان و مخالفان خود، در هر جا و از هر ملیتی که باشند، استخدام کند. این، بیشتر دردناک است از مضحک. اما نکته‌ی مهم در این میان این است: همان افرادی که در وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان حتا با مصطلحات فارسی مشکل دارند و حتا از ممنوع‌الورود کردن و ممنوع‌الخروج کردن کتاب‌های فارسی ابایی ندارند، حالا دیگر کمی همت کنند و در برابر تذکرها بی‌شمارانه‌ی سفارت ایران برای سرکوب آزادی بیان شهروندان افغانستان نیز مقاومت کنند. نباید به این جا که رسیدند، یک باره استخوان شان نرم شود. آیا سفارت دوست و برادر ایران هنوز هم برای تامین مصارف روزمره‌ی اداری وزارت اطلاعات و فرهنگ کمک‌های نقدی می‌کند؟

گفت‌وگوهای صلح با طالبان را به پیش ببرد. مسئله این است که آیا حکومت گفت‌وگوها را دولتی و یکجانبه آن‌هم در قالب شورای صلح ادامه خواهد داد یا به دلیل این که چون جنگ و صلح با سرنوشت عموم مردم گره خورده است، دیگر گروه‌های سیاسی و مدنی را هم شامل این روند خواهد ساخت؟ مسئله مشارکت جریان‌های مختلف سیاسی و مدنی در گفت‌وگوهای صلح از آن‌جا دارای اهمیت است که حکومت اکنون فاقد مشروعیت مردمی است. بنابراین نمی‌تواند از شهروندان نمایندگی کند. حضور نمایندگان احزاب سیاسی و جامعه مدنی در گفت‌وگوهای صلح یک ضرورت است و به نحوی این روند را پذیرفتنی‌تر ساخته و اختلاف‌های سیاسی بر سر این مسئله را کاهش خواهد داد.

اول، با توجه به اهمیت و ضرورت گفت‌وگوهای صلح با طالبان، اعضای گروه هماهنگی به صورت سری و محرمانه نشست‌های شان را برگزار کردند بدون آن که کم‌ترین جزئیات را با مردم افغانستان شریک بسازند. در صورتی که این مسئله در آینده هم تکرار شود و مثل نشست‌های قبلی این گروه ادامه پیدا کند شفافیت گفت‌وگوهای صلح را با پرسش مواجه می‌کند و عمومیت آن را زیر سوال می‌برد. اگر جنگ و صلح مسئله تمام شهروندان افغانستان است پس چرا این موضوع از مردم مخفی نگه‌داشته می‌شود؟

دوم، همزمان با مشخص شدن تاریخ گفت‌وگو، حکومت وحدت ملی اعضای شورای عالی صلح را نیز معرفی کرد. اشرف غنی در مراسم معرفی اعضای این شورا گفته است که اعضای این شورا در امور کاری شان مستقلانه کار کنند. قرار است این شورا

پاکستان فهرست افراد یا گروه‌های طالبان را که این کشور بالای آن نفوذ دارد، ارائه کند. اما گروه هماهنگی تنها تاریخ گفت‌وگو صلح را اعلام کرده است اما در مورد این که آیا گروه‌های طالبان حاضر به مذاکره خواهند شد یا نه، جزئیات نداده است. طالبان هم تا موقع نگارش این یادداشت هنوز واکنش نشان نداده‌اند.

به رغم امیدواری‌ها از مشخص شدن تاریخ گفت‌وگو صلح با طالبان، اما و اگرهای زیادی نیز وجود دارد.

اول، با توجه به اهمیت و ضرورت گفت‌وگوهای صلح با طالبان، اعضای گروه هماهنگی به صورت سری و محرمانه نشست‌های شان را برگزار کردند بدون آن که کم‌ترین جزئیات را با مردم افغانستان شریک بسازند. در صورتی که این مسئله در آینده هم تکرار شود و مثل نشست‌های قبلی این گروه ادامه پیدا کند شفافیت گفت‌وگوهای صلح را با پرسش مواجه می‌کند و عمومیت آن را زیر سوال می‌برد. اگر جنگ و صلح مسئله تمام شهروندان افغانستان است پس چرا این موضوع از مردم مخفی نگه‌داشته می‌شود؟

حالا که قرار است دولت افغانستان با طالبان گفت‌وگو کند، یکبار دیگر این مسئله مهم ملی در ابهام فرو رفته است. در صورتی که این روند به چنین شیوه به پیش برده شود، امیدواری‌های مردم تبدیل به یأس خواهد شد.

دوم، همزمان با مشخص شدن تاریخ گفت‌وگو، حکومت وحدت ملی اعضای شورای عالی صلح را نیز معرفی کرد. اشرف غنی در مراسم معرفی اعضای این شورا گفته است که اعضای این شورا در امور کاری شان مستقلانه کار کنند. قرار است این شورا

گروه هماهنگی چهارشنبه در نشست چهارم خود تاریخ گفت‌وگوهای مستقیم دولت افغانستان با طالبان را اعلام کرد. بر اساس اعلامیه مشترک این گروه، قرار است در هفته اول ماه مارچ اولین دور نشست دولت افغانستان با طالبان در پاکستان برگزار شود. گروه هماهنگی، از همه گروه‌های طالبان و گروه‌های دیگر دعوت کرده است تا نماینده‌های با صلاحیت شان را در اولین دور گفت‌وگوهای مستقیم صلح بفرستند. گروه هماهنگی در اعلامیه شان گفته است که پس از برگزاری اولین دور نشست دولت افغانستان با طالبان، بلافاصله نشست بعدی این گروه در پاکستان برگزار خواهد شد.

تعیین تاریخ دقیق گفت‌وگوهای مستقیم دولت افغانستان با طالبان، خبر خوشایندی است. پس از سال‌ها جنگ و بدبختی، این که چهار کشور توافق کرده‌اند در ماه بعدی میلادی طرف‌های درگیر به صورت مستقیم باهم گفت‌وگو کنند یک گام مثبت و امیدوار کننده جهت پایان جنگ در افغانستان به شمار می‌رود. صلح پایدار و عادلانه و ختم درگیری‌های مسلحانه از آرزوی دیرین مردم افغانستان است. دولت افغانستان به مثابه یک طرف قضیه بارها از گروه‌های مخالفین دعوت به مذاکره کرده و خواهان پایان جنگ در افغانستان شده است. در یک و نیم سال گذشته دولت افغانستان فقط یکبار موفق شده است با طالبان رو در رو صحبت کند که این روند با مرگ ملا عمر متوقف شد. حالا با مشخص شدن تاریخ گفت‌وگوهای صلح، آیا مخالفین دولت حاضر خواهند شد تا به صورت مستقیم با دولت افغانستان وارد گفت‌وگو شوند؟

در نشست‌های قبلی گروه هماهنگی، قرار بود

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months 120\$ USD

Annual 200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی ۳ شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی ۲ شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.

zaki.daryabi2@gmail.com

jawad.najee@gmail.com

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- سردبیر: جواد ناجی
- دبیر خبر: عصمت الله سروش
- گزارشگر: نازنین شفايي، راحله رسيل
- ویراستار: الیاس نو اندیش
- صفحه آرا: هادی دریابی
- بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲



۱۳۰ هزار پناهجوی ثبت شده در آلمان ناپدید شده‌اند

کشورهای مسئول اتحادیه اروپا تسلیم کند. براساس توافق دوبلین، آن کشور عضو اتحادیه اروپا، مسئول رسیدگی به تقاضای پناهندگی یک پناهجو است که فرد مورد نظر برای نخستین بار وارد آن کشور شده باشد.

سیستم دوبلین دیگر کارایی ندارد

در همین حال تقریباً از ۴۵ هزار پناهجوی که قرار است آلمان براساس توافق دوبلین به دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا بفرستند، فقط حدود ۳۱۰۰ تن آن‌ها به کشورهای دیگر فرستاده شده‌اند. برعکس، دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۳۰۰۰ متقاضی پناهندگی را به آلمان فرستاده‌اند. این درحالی است که پس فرستادن ۶۰۰ پناهجو از آلمان به دیگر کشورهای اتحادیه اروپا صورت نگرفته است.

به صورت غیرقانونی در این کشور خوانده است. براساس گزارش روزنامه «زود دوپچه سایتونگ» شمار این پناهجویان به بیش از ۱۳۰ هزار نفر می‌رسد.

رئیس اداره مهاجرت آلمان: هویت ۴۰۰ هزار پناهجو ناشناخته مانده است

افزون بر آن ادارات آلمانی گمان می‌برند که بیش از ۴۰۰ هزار پناهجو در آلمان به سر می‌برند که نام و هویت شان معلوم نیست. فرانک یورگن وایزه، رئیس اداره امور پناهجویان آلمان فدرال این موضوع را در برلین اظهار کرد. رئیس اداره پناهجویان آلمان فدرال گفته است که هویت ۴۰۰ هزار پناهجو ناشناخته مانده است. براساس گزارش «زود دوپچه سایتونگ»، از پاسخ وزارت داخله آلمان به درخواست جناح پارلمانی حزب چپ بر می‌آید که آلمان همواره شمار کم‌تر متقاضیان پناهندگی را می‌تواند به

اطلاعات روز: وزارت داخله آلمان اعتراف کرده است که معلوم نیست بیش از ۱۳۰ هزار پناهجو ثبت شده در این کشور در کجا زندگی می‌کنند. در عین زمان مقام‌ها گفته‌اند که ممکن است شمار زیاد پناهجویان ثبت نشده در این کشور زندگی کنند.

به گزارش دوپچه وله، حدود ۱۳ درصد از متقاضیان پناهندگی راجستر شده در آلمان در سال گذشته به محل‌های تعیین شده اقامت شان نرفته‌اند. این موضوع را وزارت داخله فدرال آلمان به درخواست جناح پارلمانی حزب چپ این کشور گزارش داده است که در اختیار روزنامه آلمانی «زود دوپچه سایتونگ» قرار گرفته است.

وزارت داخله آلمان فدرال دلیل احتمالی ناپدید شدن پناهجویان راجستر شده را از جمله سفر آن‌ها به کشورهای دیگر و هم‌چنین مخفی شدن شان

بگو مگو از facebook



Asad Buda

در باب همزبانی و ناهمزبانی

به نظر می‌رسد بحث «همزبانی و ناهمزبانی»، اغلب کج مطرح می‌شود. فروکاست همزبانی در زبان مادری، ما را از رسالت اصلی زبان که بیان زندگی و انتقال معناست غافل می‌کند. برای من، یوتویپای مور و سرمایه کارل مارکس و صلح‌پایدار کانت، به مراتب انسانی‌تر از دیوان حافظ، مثنوی معنوی مولانا و منطق الطیر عطار و مناجات خواجه عبدالله انصاری است. با دنیای انسانی من ارتباط بیش‌تر دارد. آنتیگونه‌ی سوفوکلوس، مهم‌تر از کیمیا‌ی سعادت غزالی است. قرارداد اجتماعی روسو و روشنگری چیست و صلح‌پایدار کانت، انسانی‌تر از فقه اکبر ابوحنیفه و نصیحت‌الملوک. من از نسلی هستم که ساعت‌های طولانی با شکم گرسنه در کودکی کار کرده‌ام. نان و لباس و سرپناه و دانایی تا هنوز برایم فقط یک آرزوست. بنابراین، با دیکتاتور همزبان‌ترام و الویرتویست او روایت دقیق‌تر از زندگی من است. قلعه‌ی حیوانات ارول و کرگدن اوژن یونسکو و مسخ کافکا، زندگی را قابل فهم‌تر می‌کند. فراریان برشت و درگیری‌های کاراکترهای آن با موضوع پاسپورت و مرز و فرار و آوارگی، وضعیتیم را روشن‌تر و معنادارتر توضیح می‌دهد تا سیاحت ملکوتی مولانا در باغ‌های لاهوتی و بهشتی. دیوان حافظ هرگز زندگی مرا روایت نمی‌کند. در اشعار مولانا، این شاعر عصر و عهد کشتار و آوارگی، هیچ رد پای از آوارگان و کشته‌شدگان نمی‌بینم. مهمانی افلاطون و بوطیقای ارسطو اساسی‌تر و عمیق‌تر از عرفان فارسی است، آن قدر عمیق است که اشعار و عرفان اسلامی-فارسی جز روایت معیوب و مخدوش آن‌ها نیست. واقعیت این است که من با این ناهمزبانان همزبان‌تر ام. خویشاوندی عمیق‌تری حس می‌کنم. برایم قابل فهم‌تر اند.

می‌دانم که سنایی و حافظ و مولانا شاعران پر آواز و بزرگی هستند، شعرهای بسیار زیبا سروده‌اند ولی آثار آن‌ها قادر به توضیح زندگی ناسوتی من نیست. برای نقد نابرابری جنسیتی به جودیت باتلر نیاز دارم که مدافع حق انسانی زن است، تا غزالی فارسی‌زبان که هرگز به انسانیت زن احترام قابل نیست و زن ایدئال را سر به زیر و «گوسفندخو» یاد می‌کند. روشنگری چیست و نقد عقل عملی کانت روشن‌تر حق انسانی مرا به رسمیت می‌شناسد تا فقه اکبر ابوحنیفه و نصیحت‌الملوک غزالی. مانیفیست مارکس، بیان دردها و رنج‌ها و نیازهای من است. آثار کسانی که همزبان مادری ما نیستند، با زندگی عینی و واقعی ما ارتباط بیش‌تری دارند. گره‌گشا تراند. قابل فهم‌تر و معنادارتر. در نتیجه، با من همزبان‌تراند. خویشاوندان فکری مطمئن‌تر. اگر زبان را انتقال معنا و بازگفت زندگی بدانیم، در این صورت تقلیل همزبانی در زبان مادری خطا و بی‌معنا خواهد بود. قهرمان زبان مولانا خدای نهان و غیبی است که در تجربه‌ی تاریخی، در مقام جلال ظهور و نمود یافته است؛ جهان یوتویپایی او بهشت قرآنی‌ای که زندگی واقعی را به دوزخ مبدل کرده است. من به بهشت نمی‌اندیشم. به نان و سرپناه و امنیت و دانایی نیاز دارم. زبان بی‌هقی را می‌فهمم، تا حدود فردوسی را ولی زبان سنایی و مولانا و غزالی برایم قابل فهم نیست، معنایی را منتقل نمی‌کند، در نتیجه مرجع فکری و زندگی من هم نمی‌تواند باشد. با کیمیایی سعادت غزالی همان قدر بیگانه و ناهمزبان‌ام که با نبرد من هیتلر.

احمد بهزاد



در پیوند به عزل و نصب‌های جدید

تغییر در رهبری وزارت امور داخله امری تقریباً اجتناب ناپذیر بود؛ آن‌چنان که چند ماه پیش به استیضاح کنندگان و نیز به کمپاین‌گران وزیر داخله گفته بودم کاری عبث می‌کنید! چنین ترکیبی در رهبری نهادهای امنیتی نامتوازن و غیرمنصفانه است و چاره‌ای جز تحول نخواهد داشت. شایسته است به جای گریز از یک انحصار به انحصاری دیگر و یا به عبارت دیگر عبور از انحصار یک جانبه و رسیدن به انحصار دو جانبه، بر فراگیر شدن عرصه مدیریت عالی نهادهای امنیتی اصرار ورزیم.

در برابر این عزل و نصب «دوجانبه» موضع من همان سخن در آخرین جلسه شورای رهبری تیم اصلاحات است: راه رفته را دوباره پیمودن و تجربه‌های تلخ گذشته را بار دیگر تکرار کردن شرط تدبیر و خردمندی نیست. پیش از این نیز چنین «نصف لی و نصف لک»‌هایی را تجربه کردید؛ از دهه هفتاد که چشم پوشی کنیم، کنفرانس بن هنوز پیش چشم ماست؛ که چگونه ۴ منصب کلیدی (خارج-داخله-دفاع-امنیت) را تصرف کردید و نمایندگی جبهه متحد را به نمایندگی یک بخش از آن سه گانه، طاق زدید؛ و در فرجام آن قمار، چگونه یکی پس از دیگری وانهادید؛ تا دوباره به هم رسیدیم، سر همان نقطه صفر تاریخی!

حالا ادامه همان داستان است؛ داستانی که بی‌مناسبت نیست اگر «کمدی تراژید» بخوانیم‌اش.

صرف نظر از مناسبات شخصی - اعم از مخالفت و یا موافقت - با رفتگان و یا آمدگان؛ توصیه‌ای من به‌عنوان یک دوست و کسی که به خاطر همراهی باورمندان هفت ساله با شما و متحمل شدن هزینه‌های فراوان بابت آن باور و آن رفاقت و نیز به‌عنوان دوستی که در این هفت سال تمام تلاش و مشوره‌اش پیشگیری از بازگشت دوباره به آن نقطه صفر تاریخی! بود و هم‌چنان است، بار دیگر برای تان یک توصیه دارم: راه رفته و تجربه بار بار شکست خورده را دوباره نییمایید و تکرار نکنید. اشتباه است اگر گمان کنیم که زندگی و تردستی در این میدان جواب می‌دهد؛ که نداده است و نخواهد داد. نقطه صفر تاریخی را همیشه بیاد داشته باشید و بیاد داشته باشیم.

برای دوستان و بزرگان جامعه هزاره نیز حرف‌های دارم که مهم‌ترینش این است: آن سکوت زجرآور تان در آن آخرین جلسه کارته پروان، کمکی به ارتقا مقام و منزلت تان نخواهد کرد. شاید مسرور باشید که جوانان «ناشیانه» عمل کردند و حالا «منزوی» شده‌اند و میدان برای ما «فراخ» مانده است؛ اما بزرگان عزیز! فراخی این میدان مادام که دست و پای ما بسته باشد، فقط تماشاجی بیشتری در خود جای خواهد داد و تمام! حرف‌های دیگرم بماند که ناگفته‌ها بسیار است.

انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان ایران برگزار شد

ساعت ۸ صبح تا شش بعد از ظهر خواهد بود، اما در صورت نیاز در برخی حوزه‌ها، این زمان تمدید خواهد شد.

شهاب‌الدین جاووشی، رئیس ستاد انتخابات استان تهران گفته که حدود ۸.۵ میلیون نفر واجد شرایط رای دادن در پایتخت هستند و براساس آمار ثبت احوال ولایت/ استان تهران قریب به ۴۰۰ هزار نفر آن‌ها در انتخابات روز جمعه رای اولی هستند.

به گفته مقام‌های ایرانی شورای نگهبان که بر انتخابات نظارت دارد صلاحیت ۶ هزار و ۳۳۳ نفر را تأیید کرده بود که روز پنج‌شنبه اعلام شد که ۱۴۸۰ نفر آن‌ها انصراف داده‌اند.

این انتخابت برای دور پنجم مجلس خبرگان و دور دهم مجلس شورای اسلامی بود.

مایوس و نوید کند.»

حسن روحانی، رئیس جمهوری، هنگام انداختن رای خود در مورد منافع ناشی از انتخابات گفت: «می‌توان در پای صندوق‌های رای بود و ۴ سال و هشت سال از ثمره آن استفاده کرد. کدام تجارت پرسودی است که می‌توان با یک ساعت تلاش ۴۰ یا هشت سال از آثارش بهره برد؟»

تلویزیون دولتی و رسانه‌های خبری تصاویر علی لاریجانی، رئیس مجلس، و صادق لاریجانی، رئیس قوه قضاییه را هم هنگام رای دادن منتشر کردند. رئیس مجلس از مردم به خاطر شرکت گسترده در انتخابات قدردانی کرد.

رئیس ستاد انتخابات اعلام کرده بود که مدت رای‌گیری در روز جمعه، دست‌کم ۱۰ ساعت، از

اطلاعات روز: صبح روز جمعه، ۷ حودت، رای‌گیری انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان ایران آغاز شد و نامزدهای این انتخابات برای کسب ۲۹۰ کرسی مجلس شورای اسلامی و ۸۸ کرسی مجلس خبرگان رقابت می‌کنند.

کسانی در این انتخابات حق رقابت دارند که صلاحیت آن‌ها پیشتر به تأیید شورای نگهبان رسیده باشد.

به گزارش بی‌بی‌سی، آیت‌الله خامنه‌ای در لحظات اول پس از آغاز رای‌گیری، در برابر دوربین‌های تلویزیونی رای خود به صندوق سپار انداخت و رای دادن را کاری خیر توصیف کرد و گفت که به همین دلیل، می‌خواست در کار خیر پیشرو باشد. او گفت که «انتخابات باید به گونه‌ای باشد که دشمن را

اوباما در باره آتش‌بس سوریه: روسیه به تعهدات خود پایبند باشد

باراک اوباما بر قطع بمباران شهرهای محاصره شده و کمک‌رسانی به مردم نیز تأکید کرد. روز دوشنبه، ۳ حوت روسیه و امریکا بر سر آتش‌بس در سوریه توافق کردند. براساس این توافق آتش‌بس شامل حال نیروهای گروه داعش و جبهه النصره که تروریست خوانده می‌شوند، نمی‌شود. حکومت بشار اسد، کمیته عالی مذاکرات اپوزیسیون سوریه (HCN) و «یگان‌های مدافع خلق کرد» (YPG) در شمال سوریه از این آتش‌بس استقبال کرده‌اند.

او هم چنین تأکید کرده است که در مورد آینده بشار اسد «اختلافات قابل توجهی» بین دیدگاه‌های امریکا و روسیه وجود دارد.

رئیس جمهوری امریکا گفته است او به‌شخصه نمی‌تواند با ماندن بشار اسد در قدرت راه‌حلی را برای سوریه متصور شود. به‌گفته‌ی اوباما، «بسیاری از سوری‌ها تا زمانی که اسد در قدرت باشد نبردهای خود را متوقف نخواهند کرده» و «هیچ جایگزینی برای یک تغییر هدایت‌شده به دور از اسد وجود ندارد.»

اطلاعات روز: از نیمه‌شب شنبه، ۸ حودت، قرار است آتش‌بس در سوریه حاکم شود. در آستانه این آتش‌بس باراک اوباما روسیه را فراخواند تا نقش سازنده‌ای در این زمینه ایفا کند.

به نقل از رادیو زمانه و به‌گزارش خبرگزاری آلمان، باراک اوباما، رئیس جمهوری امریکا در واشنگتن گفته است: «روسیه و متحدانش باید بر تعهدات خود بایستند.» اوباما افزوده: «روزهای آینده تعیین‌کننده هستند و جهان به شما می‌نگرد.»

تلاش جمهوری خواهان برای جلوگیری از پیشتازی بیشتر ترامپ

به‌خصوص در ساختمان سازی و ساخت کازینو فعالیت داشته است. آقای ترامپ در پاسخ چنین گفته است: «من ده‌ها هزار نفر را استخدام کردم. شما که هیچ کس را استخدام نکردید.» آقای ترامپ علی‌رغم اظهارات شدیداً جنجالی از جمله درباره منع سفر مسلمانان به امریکا و احداث دیواری در مرز مکزیک هم‌چنان محبوبیت خود را حفظ کرده است. بن کارسون جراح مغز و تنها سیاهپوست رقابت‌ها علی‌رغم عملکرد ضعیف تا این مرحله گفته است که به این زودی‌ها میدان را ترک نخواهد کرد. جان کی‌سیک، فرماندار اوهایو که خود را گزینه‌ای میانه‌رو در مقابل همکاران محافظه‌کارترش معرفی می‌کند از سوی برخی

اطلاعات روز: تد کروز و مارکو رویو رقبای انتخابات مقدماتی برای کسب نامزدی حزب جمهوری خواه در تازه‌ترین مناظره تلویزیونی خود پیش از «سه شنبه بزرگ» که ۱۱ ایالت همزمان رای‌گیری می‌کنند شدیداً به دونالد ترامپ پیشتاز رقابت‌ها تاخته‌اند.

به گزارش بی‌بی‌سی، این دو سناتور پس از سومین پیروزی ایالتی آقای ترامپ از میان چهار ایالت سعی دارند سرعت حرکت او را آهسته کنند. مسایل مهاجرت و جلب نظر رای دهندگان لاتین تبار بر بحث‌های این شب غالب بوده است. آقای رویو رقیب گفته است که آقای ترامپ به جای امریکایی‌ها مایل به استخدام کارگران خارجی بوده است. آقای ترامپ سرمایه‌دار اهل نیورک است که

حمایت مرکل از ادغام سریع‌تر پناهجویان در بازار کار

نرخ تولد، ادغام مهاجران به بازار کار را تسهیل کنند.

اتاق صنایع و تجارت این کشور هم‌چنان گفته بود، قوانین جدید باید این را تضمین کند که پناهجویان در جریان آموزش حرفه‌ای و تا دو سال پس از فراغت شان به کشورهای شان برگشت داده نشوند.

از جانب دیگر، اتحادیه کارفرمایان آلمان از مقامات این کشور خواسته بود که روند رسیدگی به تقاضای پناهندگی باید سریع‌تر انجام یابد. بخش دیگر خواست‌های این اتحادیه را مهیا نمودن زمینه‌های مناسب برای کارفرمایان و مراکز حرفه‌ای تشکیل می‌دهد تا آنان بتوانند با حمایت بهتر از پناهجویان و مشوره‌دهی خوب به آنان وسیله وساطت آنان با کارفرمایان گردند.

در عین زمان، اتحادیه‌های اقتصادی آلمان حمایت همه جانبه خود را از برنامه‌های انگلا مرکل در خصوص پناهجویان ابراز کردند. اتحادیه‌های صنعتی، تجارتنی و صنایع دستی آلمان در اعلامیه‌ی مشترک گفتند که فقط با همبستگی در اتحادیه اروپا می‌شود که بر این چالش‌ها غلبه کرد.

این اتحادیه‌ها در یک بنایه مشترک اعلام داشتند که از برنامه‌های مراقبت و کنترل از سرحدات خارجی اروپا حمایت می‌کنند. آنان هم‌چنان بر تقسیم بندی منصفانه پناهجویان به کشورهای اروپایی نیز تأکید کردند.

پیش از این رهبران بخش صنعت آلمان از قانون‌گذاران این کشور نیز خواسته بودند که با توجه به کمبودی‌های بازار کار به دلیل کاهش

اطلاعات روز: انگلا مرکل، صدراعظم آلمان به درخواست بخش اقتصادی کشورش برای ایجاد سهولت در ادغام پناهجویان در بازار کار پاسخ مثبت داده است. او بر کوتاه کردن بروکراسی و موانع اداری تأکید کرده و گفته است که باید مراقبت جدی از پناهجویان صورت گیرد.

به گزارش دوپچه وله، انگلا مرکل روز جمعه در دیدار با اعضای چهار اتحادیه اقتصادی در شهر مونیخ گفته است که برای ادغام پناهجویان به بازار کار، اداره امور کار آلمان فدرال در همکاری بسیار نزدیک با این اتحادیه‌ها کار خواهد کرد.

مرکل اهداف این اقدام را از میان برداشتن موانع اداری و مراقبت هدفمند از پناهجویان با فراهم کردن امکانات آموزشی و یا تمدید دوره کارآموزی عنوان کرده است.



سائول: در رئال،

کفش‌ها و غذایم را می‌دزدیدند

سائول، پدیده باشگاه اتلتیکو مادرید، پیش از عضویت در این باشگاه در تیم‌های پایه‌ای رئال حضور داشت. نام سائول فصل گذشته در دربی برگشت مادرید در کالدرون بر سر زبان‌ها افتاد وقتی او به‌جای کوکه در دقیقه ۱۰ وارد زمین شد و کمی بعد با یک قیچی برگردان استثنایی موفق شد گول اول را وارد دروازه رئال کند. اتلتیکو آن بازی را در نهایت ۴-۰ پیروز شد. سائول که زمانی برای تیم‌های پایه رئال بازی می‌کرد، در آستانه دربی امروز به خبرنگاران گفت: وقتی برای رئال بازی می‌کردم از لحاظ ورزشی همه چیز خوب

آنچلوتی:

زیدان تحت هر شرایطی باید حفظ شود

کارلو آنچلوتی که خود تابستان گذشته قربانی کم‌تحملی فلورنتینو پرز در رئال مادرید شد، معتقد است که تحت هر شرایطی زیدان باید برای فصل بعد در رئال مادرید حفظ شود. کارلتو با وجود این‌که در اولین فصل حضورش رئال را به ۴ افتخار ارزشمند از جمله قهرمانی اروپا رساند اما به سبب ناکامی در فصل بعد از سمت خود برکنار و بنیتس جای وی را گرفت. بنیتس هم تنها پس از ۶ ماه جای خود را به زیدان داد. رئال با هدایت زیدان هم نتوانسته حداقل در لالیگا رقیبی جدی برای بارسلونا باشد و پس از تساوی مقابل مالاگا، فاصله اش با آبی‌ناری‌ها به ۹ امتیاز افزایش یافته است. **آنچلوتی در مصاحبه با سینا اسپورت در مورد تساوی رئال مقابل مالاگا گفت:** از قبل می‌دانستم رئال مقابل مالاگا به مشکل برمی‌خورد. من پیامبر یا پیش‌گو نیستم اما با توجه به نتایج اتلتیکو و بارسا در زمین مالاگا حدس می‌زدم که رئال هم به مشکل برخورد کند. اتلتیکو در زمین مالاگا باخته بود و بارسا هم با وجود برتری، از سوی مالاگا تحت فشار شدیدی قرار گرفت

گوتی: نیمار شایسته جایزه اسکار است

گوتی، اسطوره رئال مادرید به انتقاد از نیمار پرداخت و او را شایسته دریافت جایزه اسکار بهترین بازیگر به خاطر شیرجه‌هایش در درون زمین دانست. نیمار به خاطر سبک بازی اش که گاهی قصد فریب داور را دارد، مورد انتقاد رسانه‌ها قرار گرفته و حال گوتی که همواره مصاحبه‌های تندى علیه بارسا انجام می‌دهد، به انتقاد شدید از ستاره برزیلی پرداخت.

ژیرو می‌تواند به جای چک دروازه‌بانی کند

آرسن ونگر در جدیدترین مصاحبه خود فاش ساخت که اگر روزی پتر چک از زمین اخراج شود و او گزینه تعویض نداشته باشد، ژيرو را درون دروازه قرار خواهد داد. پتر چک تابستان ۲۰۱۵ از چلسی به آرسنال پیوست و به لطف بازی‌های درخشانش خیلی زود توانسته در میان هواداران این باشگاه به بازیکنی محبوب بدل شود. آرسن ونگر، سرمربی آرسنال در مصاحبه با وبسایت باشگاه در پاسخ به این سوال که در صورت اخراج پتر چک، کدام بازیکن زمین جایگزین او خواهد شد گفت: کدام بازیکن را به جای چک قرار خواهیم داد؟

کارلوس: رئال در مورد نیمار سهل‌انگاری کرد

روبرتو کارلوس، اسطوره برزیلی رئال مادرید که در حال حاضر در تیم‌های پایه‌ای این باشگاه مشغول فعالیت است، از این‌که تیم محبوبش نتوانست سال ۲۰۱۳ نیمار را جذب کند، هم‌چنان متاسف است. سال ۲۰۱۳ نیمار در حالی‌که پیشنهاد رئال مادرید را نیز در جیب داشت، ترجیح داد به بارسلونا بپیوندد و حالا در سومین سال حضورش در بارسا، به یکی از سه بازیکن برتر دنیا بدل شده است؛ مساله‌ای که افسوس‌زالی‌ها را به دنبال داشته است. بسیاری معتقدند که فلورنتینو پرز، رئیس باشگاه رئال مادرید، اصرار لازم برای انتقال نیمار را به خرج نداد.

روبرتو کارلوس در همین رابطه گفت: رئال مادرید باشگاه بسیار بزرگی است که همواره در صدد جذب بازیکنان بزرگ است ولی معتقدم ما زمانی‌که باید برای جذب نیمار تلاش می‌کردیم، این کار را به درستی انجام نداده و سهل‌انگاری کردیم. در هر صورت با نیمار یا بدون نیمار، رئال هم‌چنان در فتح جام‌ها مدعی اول باقی خواهد ماند.

رئال در حال حاضر ۹ امتیاز با بارسلونای صدرنشین فاصله دارد و کمتر کسی برای این تیم چانس قهرمانی قائل است. کارلوس در همین رابطه گفت: رئال تیمی است که محکوم به پیروزی در هر مسابقه و قهرمانی در هر رقابتی است. من هم‌چنان به قهرمانی در لالیگا و جبران فاصله امتیازی با بارسلونا امیدوارم. مقایسه با مارسلو: او تفاوت اندکی با من دارد ولی هیچ‌وقت از مقایسه کردن خوشم نمی‌آید. معتقدم مارسلو سال‌ها در رئال تاریخ‌سازی خواهد کرد.

مسی، تنبل‌ترین بازیکن بارسلونا در لیگ قهرمانان

لئو مسی با متوسط ۷٫۹ کیلومتر دوندگی در هر بازی و مجموع ۳۱٫۶۲ کیلومتر در بازی‌های بارسلونا در لیگ قهرمانان، از این حیث تنبل‌ترین بازیکن این تیم محسوب می‌شود. در بارسلونا ایوان راکیتیچ با ۶۱٫۳۵ کیلومتر دوندگی، پرکارترین و دونده‌ترین بازیکن در لیگ قهرمانان است که در رده‌بندی کلی میان دیگر بازیکنان حاضر در لیگ قهرمانان در جایگاه ۶۴ قرار دارد.

دو ضلع دیگر مثلث MSN بارسلونا یعنی سوارز و نیمار نسبت به مسی به مراتب دوندگی بیشتری داشته‌اند: سوارز با ۵۷٫۸۱ کیلومتر و نیمار با ۵۹٫۲۷ کیلومتر دوندگی. مجموع دوندگی مسی، نیمار و سوارز نیز ۱۴۹٫۱۵ کیلومتر بوده است.

در رئال مادرید ایسکو با ۶۵٫۸۸ کیلومتر، پرتلاش‌ترین بازیکن در لیگ قهرمانان بوده که در رده‌بندی کلی در جایگاه شماره ۳۶ قرار دارد. پس از ایسکو، رونالدو با ۶۴٫۰۸ کیلومتر قرار دارد. نکته جالب این‌که رونالدو دو برابر مسی در لیگ قهرمانان دویده است. البته باید توجه داشت که رونالدو در هر ۷ بازی رئال حاضر بوده ولی مسی سه بازی بارسا را از دست داده است. گرت بیل و بنزما نیز به ترتیب، ۱۱٫۸۴ و ۳۸٫۵۷ کیلومتر دوندگی داشته‌اند. بیل تنها در دو بازی از ۷ بازی رئال در لیگ قهرمانان حاضر بوده است.

واردی: از بازی مقابل یک مدافع رئال می‌ترسم!

جیمی واردی، مهاجم گول‌زن لسترستی، تایید کرد از بازی کردن مقابل په‌په، مدافع پرتگالی رئال مادرید، می‌ترسد! واردی که در این فصل ۱۹ گول در لیگ برتر به ثمر رسانده، یکی از عوامل صدرنشینی لسترستی در این رقابت‌ها محسوب می‌شود. شاگردان کلودیو رانییری به احتمال بسیار زیاد فصل آینده در چمپیونزلیگ حضور خواهند داشت اما واردی از همین حالا نگران هم‌گروه شدن با رئال مادرید و بازی کردن مقابل په‌په است. او در گفتگو با خبرنگاران، در پاسخ به این سوال که از روبرو شدن با چه حریفی در چمپیونزلیگ بیش از همه می‌ترسد، گفت: گفتنش دشوار است. اگر به آن‌جا برسیم، احتمالاً خواهیم گفت که دوست ندارم مقابل په‌په بازی کنم. دیده‌اید که او برای بعضی از تکل‌هایش پرواز می‌کند. امیدارم چنین تکل‌ی روی من نزند.

کریس رونالدو: می‌خواهم در رئال بمانم

رونالدو که در سال ۲۰۰۹ از منچستریونایتد به رئال مادرید پیوست، در این مدت تنها یک قهرمانی در لالیگا و یک قهرمانی در چمپیونزلیگ به دست آورد اما او تأکید کرد از این انتقال پشیمان نیست: این‌که بهترین تیم اروپا باشیم، بزرگترین رویای ما بود که دو سال قبل برآورده شد. لحظه بی‌نظیری برای ما و هواداران بود اما لحظات مهم دیگری هم بود. نمی‌توانم به دوران حضورم در رئال بیش از این افتخار کنم.

رئال این هفته (امروز) در دیداری حساس مقابل اتلتیکو مادرید قرار خواهد گرفت و رونالدو تایید کرد برای زنده نگه‌داشتن امیدهای قهرمانی در لالیگا، باید در این دیدار به پیروزی برسند: این یک دیدار مهم است. آن‌ها خیلی خوب دفاع می‌کنند اما ما باید پیروز شویم. اگرچه لالیگا دشوار است اما ما تا پایان فصل می‌جنگیم.

گوتی:

بازیکنان اتلتیکو در سطح رئال نیستند

گوتی، اسطوره باشگاه رئال مادرید معتقد است که بازیکنان فعلی اتلتیکو نمی‌توانند برای رئال مادرید بازی کنند. دو تیم امروز در دیداری حساس در لالیگا به مصاف هم خواهند رفت. اتلتیکو هشت امتیاز و رئال نه امتیاز با صدر جدول فاصله دارند و همین موضوع سبب شده تا عملاً از کورس قهرمانی خارج بمانند. در حالی‌که دو تیم آماده تقابل با یک‌دیگر می‌شوند، گوتی که بیش از ۵۰۰ بازی برای رئال انجام داده معتقد است که بازیکنان اتلتیکو، کیفیت لازم برای بازی در رئال را ندارند.

او در پاسخ به این سوال که کدام بازیکن اتلتیکو را برای رئال انتخاب می‌کند گفت: انتخاب سختی است. نمی‌توانم بازیکنی را از اتلتیکو برای رئال انتخاب کنم. گوتی درباره تقابل دو تیم گفت: در دوران ما، بازی کردن در ویسنته کالدرون کار آسانی بود. حالا با حضور "چولو"، اوضاع کمی پیچیده شده است. اتلتیکو یکی از بزرگترین رقبای رئال است ولی به عنوان هوادار رئال، دوست دارم همیشه شکست بخورند.

رانیری:

۵ بازی پیش رو تعیین کننده است

کلودیو رانییری، سرمربی لسترستی عنوان کرد که ۵ بازی پیش روی تیمش، نقش کلیدی در تعیین تکلیف این تیم در رقابت برای قهرمانی لیگ برتر خواهد داشت. روباها در ۵ بازی پیش روی خود باید به مصاف تیم‌های نورویچ سیتی، وست بروم، واتفورد، نیوکسل و کریستال پالاس بروند و این در حالیست که آن‌ها با دو امتیاز اختلاف در صدر جدول بالاتر از تاتنهام و آرسنال قرار گرفته‌اند. لستر بازی‌های سخت خود را پشت سر گذاشته و آن‌ها مقابل لیورپول و سیتی به پیروزی رسیدند ولی ۱-۲ مقابل آرسنال شکست خوردند. حال رانییری بازی‌های پیش روی تیمش را تعیین کننده می‌داند. او گفت: ۵ بازی پیش رو تعیین کننده

پوگبا و کوادرادو،

شرط کونته برای حضور در چلسی

برای حضور در چلسی هستند. کوادرادو به صورت قرضی از چلسی به یووه پیوسته و مشکلی برای بازگشتش به تیم وجود ندارد ولی مشکل اصلی، خرید پوگباست. یووه بارها اعلام کرده که به ارقامی کمتر از ۱۰۰ میلیون یورو توجهی نخواهد داشت و به نظر چلسی اگر قصد خرید ستاره فرانسوی را دارد، باید دست به جیب شده و هزینه زیادی متحمل شود. رسانه‌های انگلیسی مدعی شدند که آنتونینو کونته قصد دارد پل پوگبا و خوان کوادرادو را با خود به چلسی ببرد. گفته می‌شود کونته با چلسی به توافق رسیده و در پایان فصل پس از پایان یورو ۲۰۱۶، هدایت این تیم را بر عهده خواهد گرفت. رومن آبراموویچ دست کونته را برای خرید باز گذاشته و بودجه کلانی در اختیار او قرار داده است. حال روزنامه تلگراف مدعی شد که پوگبا و کوادرادو در لیست اصلی کونته



بسته سیاحتی سنگاپور Singapore Tour Package

Package Inclusion

- Singapore Visa
- Return Air Ticket
- 4 Night at Landmark Village Hotel
- Daily Breakfast
- 3 Lunch at 4 Dinner at Hotel
- City Tour of Singapore
- Sentosa @ cable + Under water world + wing of Time
- Universal Studio + 10\$ meal Coupon
- All Transfer in PVT AC Coach and English speaking Guide
- Term and Condition Apply

Only 1690\$ Per Person

Ansari Square, Shar-e-Now, Kabul, Afghanistan | info@marktravel.af | +93 786 66 26 66 | +93 792 92 92 92

MARK TRAVEL & TOURS

Saturday | 27 February 2016 | Year 05 | Vol 1015 | web: www.etilaatroz.com | شنبه | ۸ حوت، ۱۳۹۴ | سال پنجم | شماره ۱۰۱۵

پاسپورت افغانستان بی اعتبارترین پاسپورت جهان

سفر به اروپا فقط یکی از فاکتورها در بحران پناهندگی افغانستان است که به دهه‌ی ۱۹۸۰ برمی‌گردد؛ زمانی که حدود ۵ میلیون افغان از جنگی که پس از تهاجم شوروی آغاز شد فرار کردند. بخش عمده‌ی آن‌ها به ایران و پاکستان رفتند و تعداد بسیاری در همان کشورها باقی ماندند. چند دهه جنگ و بی‌ثباتی باعث شد تا بخش زیادی قادر به بازگشت به کشور نباشند، و بسیاری از آن‌ها که در کشور ماندند نیز امید خود را به بهتر شدن اوضاع از دست داده‌اند. مشکلاتی که در برابر شهروندان افغانستان قرار دارد، منجر به افزایش شدیدی در تقاضا برای پاسپورت‌های جعلی کشورهای دیگر از جمله سوریه شده است.



آن‌ها که در کشور ماندند نیز امید خود را به بهتر شدن اوضاع از دست داده‌اند. مشکلاتی که در برابر شهروندان افغانستان قرار دارد، منجر به افزایش شدیدی در تقاضا برای پاسپورت‌های جعلی کشورهای دیگر از جمله سوریه شده است. اگر تنها یک نقطه‌ی روشن برای افغان‌ها وجود داشته باشد این است که اگرچه پاسپورت‌های آن‌ها اعتبار چندانی ندارند، اما حداقل در تئوری می‌توانند از آن استفاده کنند. شهروندان کشورهایی که توسط بسیاری از دولت‌های جهان به رسمیت شناخته نشده‌اند، اغلب با این مشکل مواجه می‌شوند که اصلاً امکان استفاده از پاسپورت‌های خود را ندارند - برای مثال، کسانی که پاسپورت دولت جدایی‌طلب سومالی را به دست دارند تنها در تعداد انگشت‌شماری از کشورهای جهان می‌توانند از اسناد سفر خود استفاده کنند. و در برخی موارد، خود دولت‌ها هستند که برای شهروندانشان مشکلاتی در رابطه با پاسپورت خلق می‌کنند. می‌توان در این زمینه به کره‌ی شمالی اشاره کرد. تحقیق هتلی و همکاریان دریافت که پاسپورت کره‌ی شمالی با اعتبارتر از پاسپورت افغانستان است و نه درجه بالاتر از آن قرار دارد. در تئوری، مردم کره‌ی شمالی امکان سفر به ده‌ها کشور جهان را دارند بدون این‌که نیاز به ویزا داشته باشند - کشورهایی از جمله سنگاپور، مالزی و قرقیزستان که در کل نیاز به ویزا ندارند. اما مردم این کشور باید برای سفر به خارج، از دولت خود ویزای خروجی بگیرند. همان‌گونه که انتظار می‌رود، این کار آسانی نیست.

به تنها مرکز صدور پاسپورت در کابل سرازیر شدند تا برای سفری به خارج از کشور آمادگی بگیرند. شبکه‌ی ای.بی.سی استرالیا گزارش داد که برخی افغان‌ها در تمام طول شب بیرون از اداره‌ی پاسپورت می‌خواهند تا بتوانند پاسپورت بگیرند. این اداره با افزایش حجم درخواست‌ها با مشکلات زیادی روبه‌رو شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان به شبکه‌ی ای.بی.سی گفته بود: «اگر شما بعد از ساعت ۵ صبح بیاید دیگر هیچ شانس برای پرکردن درخواست ندارید». (ریاست پاسپورت مدتی بعد برای پاسخ‌گویی به افزایش تقاضا ماشین‌های جدید چاپ پاسپورت خریداری کرد). بسیاری از کسانی که پاسپورت‌های خود را می‌گیرند، تلاش می‌کنند تا خود را در امتداد مسیر خطرناک مهاجرت از طریق ترکیه، به اروپا برسانند - مسیری که «جاده‌ی سیاه» نامیده شده است. پس از مردم سوریه، افغان‌ها بخش عمده‌ی موج پناهندگانی را تشکیل می‌دهند که به اروپا رسیده‌اند. اما برخلاف سوری‌ها یا عراقی‌ها، افغان‌ها با پاسخ‌های غیرقابل‌پیش‌بینی مقامات کشورها روبه‌رو هستند - اغلب به آن‌ها پناهندگی اعطا نشده و مجبور می‌شوند تا به خانه بازگردند. سفر به اروپا فقط یکی از فاکتورها در بحران پناهندگی افغانستان است که به دهه‌ی ۱۹۸۰ برمی‌گردد؛ زمانی که حدود ۵ میلیون افغان از جنگی که پس از تهاجم شوروی آغاز شد فرار کردند. بخش عمده‌ی آن‌ها به ایران و پاکستان رفتند و تعداد بسیاری در همان کشورها باقی ماندند. چند دهه جنگ و بی‌ثباتی باعث شد تا بخش زیادی قادر به بازگشت به کشور نباشند، و بسیاری از

اطلاعات روز: از بسیاری جهات، شانس این‌که به کجا به دنیا می‌آید، مسیر زندگی شما را تعیین می‌کند: برخی پاسپورت‌ها قدرت بیشتری نسبت به دیگران دارند. به نقل از واشنگتن پست، شاخصی که به تازگی توسط هتلی و همکاران - موسسه‌ی بین‌المللی مستقلی که در مسایل شهروندی فعالیت می‌کند - منتشر شده، تلاش کرده است تا کمیت ارزش پاسپورت‌ها را مورد قضاوت قرار بدهد و این کار را براساس تعداد سفرهای بدون ویزا برای صاحبان پاسپورت‌ها انجام داده است. برای سال ۲۰۱۶، این شاخص نشان داده است که آلمان‌ها برای سومین سال پی‌درپی معتبرترین پاسپورت جهان را دارند، و پس از آن تعدادی از دیگر کشورهای اروپایی، ایالات متحده، جاپان و کانادا با تفاوت اندکی قرار می‌گیرند. بی‌اعتبارترین پاسپورت در این لیست: افغانستان. در واقع، در طی ۱۱ سال که این شرکت درحال رده‌بندی اعتبار پاسپورت‌های کشورها است، پاسپورت افغانی هفت بار در انتهای لیست قرار گرفته است - از سال ۲۰۱۰. تنها کشورهایی که تاکنون پایین‌تر از آن بوده‌اند، سودان جنوبی و سرزمین‌های فلسطین هستند - یکی از آن‌ها در میان جوان‌ترین کشورهای مستقل جهان قرار دارد، و دیگری از لحاظ دیپلماتیک تنها توسط چند کشور در غرب به رسمیت شناخته شده است. اما درحالی‌که پاسپورت افغانی احتمالاً کم‌ترین اعتبار را در جهان دارد، برای مردم افغانستان معمولاً تنها دارایی آن‌هاست. تابستان سال گذشته، هم‌چنان که وضعیت امنیتی در این کشور وخیم‌تر شد، بسیاری از مردم افغانستان

والی سابق هرات از قید رباندگان در پاکستان آزاد شد



اطلاعات روز: وزارت امور خارجه می‌گوید که فضل الله وحیدی، والی سابق هرات که دو هفته پیش در اسلام‌آباد رها شده بود، حوالی صبح جمعه توسط پولیس پاکستان از قید رباندگان آزاد شده است. وزارت خارجه افزوده که آقای وحیدی در منطقه‌ی مردان ایالت خیبر پختون‌خواه پاکستان آزاد شده و به قنصلگری افغانستان در شهر پشاور تحویل داده شده است. آقای وحیدی به رسانه‌ها گفته است که پنج‌شنبه شب زمانی که رباندگان او را از یک جا به جای دیگر منتقل می‌کردند، در میانه راه با پولیس درگیر شدند و به دنبال آن پولیس او را از قید رباندگان آزاد کرد. او افزوده که رباندگان در دو هفته گذشته او را با چشمان بسته دست کم سه بار از جایی به جایی دیگر منتقل کردند. تاکنون هویت رباندگان معلوم نشده است. وحیدی تأکید کرده که پولیس پاکستان باید تحقیق کند که آدم‌ربایان چرا او را ربودند و انگیزه اصلی آن‌ها چه بوده است. دو روز پس از رها شدن، والی سابق هرات و کتر، وزارت امور خارجه سفیر پاکستان در کابل را احضار کرد. حکمت خلیل کرزی، معین سیاسی وزارت امور خارجه به سفیر پاکستان گفته بود، از آن‌جایی که آقای وحیدی در منطقه‌ی امن و پایتخت پاکستان رها شده، افغانستان از پاکستان می‌خواهد که با استفاده از تمام ابزار و امکانات، در مورد رهایی و شناسایی عاملان این رویداد، اقدام عاجل و جدی نماید. وزارت خارجه در اعلامیه‌ی امروزش از توجه و تلاش‌های مقام‌ها و پولیس پاکستان برای رهایی آقای وحیدی ابراز قدردانی کرده است.

طالبان دو تن از ۵۰ مسافر ربوده‌شده در فاریاب را تیرباران کردند

اطلاعات روز: منابع کشفی در ولایت فاریاب گفته‌اند که جنگ‌جویان طالب دو تن از ۵۰ مسافری را که روز پنج شنبه از ولسوالی خواجه سزیوش این ولایت رها شده بودند، تیرباران کرده‌اند. به نقل از رادیو سلام وطندار، سرنشینان یک اتوبوس نوع ۴۰۴ و سه موتور نوع کرولا و سراجا ناوقت روز پنج شنبه در منطقه‌ی «ریگ‌ریشن» در نزدیکی «کوئل گورزاد» ولسوالی خواجه سزیوش که تعداد شان به ۵۰ نفر می‌رسید، از سوی طالبان رها شدند.

عبدالله مصومی، ولسوال خواجه سزیوش گفته است که تمامی این مسافران افراد غیرنظامی و روانه‌ی ایران بودند. آقای مصومی افزوده که ساعت ۹ پنج شنبه شب ۴۶ تن از این مسافران از سوی طالبان آزاد شدند و یکی از مسافران در جریان درگیری میان نیروهای امنیتی و طالبان زخمی شده است.

قاری محمد یوسف حقانی، یک فرمانده طالبان در فاریاب نیز تأیید کرده است که دو تن از این مسافران را تیرباران کرده‌اند. یوسف حقانی مدعی شده از میان سه نفری که آن‌ها با خود برده‌اند، دو تن که تیرباران شده، سربازان ارتش و سومی یک معتاد بوده است. مسئولان لوای اول ارتش ملی در فاریاب این رویداد را تأیید کرده و گفته است که هنوز مشخص نیست افراد کشته شده سربازان ارتش هستند یا خیر. این چهارمین مورد آدم‌ربایی طالبان در سه هفته‌ی گذشته از مسیر شاهراه میمنه - بلخ است.

انورالحق احدی بار دیگر بر برگزاری همزمان انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی تأکید کرد

اطلاعات روز: انورالحق احدی، وزیر پیشین تجارت و رییس «جبهه نوین ملی افغانستان» بار دیگر بر برگزاری زودهنگام انتخابات ریاست جمهوری و به‌صورت همزمان با انتخابات پارلمانی تأکید کرد. آقای احدی که روز جمعه در نشست در کابل صحبت می‌کرد، هم‌چنان حکومت وحدت ملی را متهم کرد که قانون اساسی کشور را زیرپا کرده است. او افزود که «عوام فریبی حکومت، سبب ایجاد فاصله میان مردم و حکومت شده است و خطر فروپاشی حکومت وجود دارد». اعضای «جبهه نوین ملی افغانستان» در ۲۵ ماه جدی

اسماهنگام اعلام موجودیت این ائتلاف، از کارکرهای حکومت وحدت ملی به شدت انتقاد کردند و خواهان برگزاری زودهنگام انتخابات ریاست جمهوری شده بودند. آقای احدی گفته بود که «حکومت وحدت ملی مطلق ناکام است و باید انتخابات زود هنگام برگزار شود». او در نشست دیروزی نیز گفته است که «حکومت و حدت ملی، با بحران مشروعیت روبه‌رو است» و یگانه راه بیرون رفت از این بحران برگزاری انتخابات است. انورالحق احدی در حالی بر برگزاری زودهنگام انتخابات ریاست جمهوری و به‌صورت همزمان با انتخابات پارلمانی تأکید دارد که حکومت تابستان و خزان سال آینده را زمان



برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراها ولسوالی‌ها اعلام کرده است. از سویی هم، هفته‌ی گذشته کمیسیون مستقل انتخابات نتایج تفصیلی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ را اعلام کرد که براساس آمار این کمیسیون اشرف غنی احمدزی با کسب بیش از ۳۰.۹ میلیون (۵۵.۲۲ درصد) آرا برنده انتخابات است.